



شکایت از نبود دوا و دکتران؛

وضعیت خدمات صحه در بلخ اسفبار است



شماری از مریض‌داران در شهر مزار شریف از ارایه نشدن خدمات درست صحی شکایت دارند. این مریض‌داران از کمبود دکتران متخصص، به‌ویژه دکتران زن، نبود ادویه و مسوولیت‌ناپذیری مسوولان شفاخانه حوزه‌ای ابوعلی سینای بلخی انتقاد می‌کنند. شماری از باشندگان ولسوالی‌ها می‌گویند که با رفتن دکتران زن از کلینیک‌ها، باید ساعت‌ها سفر کنند تا زمینه تداوی بیماران‌شان فراهم شود. منابع در ریاست صحت عامه ولایت بلخ نیز تایید می‌کنند که اداره صلیب سرخ کمک ادویه به این شفاخانه را متوقف کرده است...

۵

مقاومت‌گران میلیونی اما خسته



۶

بحران خشک‌سالی؛

گندم للمی در افغانستان به علوفه حیوانات مبدل می‌شود

۳ صفحه



جنايات جنگی در افغانستان؛

دولت آسترالیا گزینه‌های پرداخت غرامت به قربانیان را بررسی می‌کند

پرداخت غرامت «نقطه ضعیف آشکار در پاسخ کلی دولت به این تحقیق» است. خانم نلسون تصریح کرد: «بیش از دو و نیم سال از ارایه آن توصیه‌ها می‌گذرد، اما هنوز هیچ نشانه‌ای از پیشرفت در این موضوع نداریم.» وی با انتقاد از سهل‌انگاری حکومت قبلی استرالیا در این مورد گفت: «معیارهای حقوق بشر روشن است

این اظهارات را به دنبال محاکمه سرباز آسترالیایی متهم به ارتکاب جرایم جنگی در افغانستان، مطرح کرده است. بر بنیاد گزارش گاردین، دولت استرالیا سرگرم کار بر سر گزینه‌های مربوط به پرداخت موضوع غرامت است، اما هنوز تصمیمی اتخاذ نکرده است. وزیر دفاع آسترالیا، در نامه‌ای به مرکز عدالت بین‌المللی آن کشور، بر تعهد شخصی‌اش برای اقدام در این مورد تأکید کرده است. با این حال، فیونا نلسون، مدیر وکالت حقوقی در مرکز استرالیایی برای عدالت بین‌المللی افزوده که موضوع



۸ صبح، کابل: رچارد مارل، وزیر دفاع آسترالیا می‌گوید که دولت این کشور گزینه‌های پرداخت غرامت به قربانیان جنایات جنگی در افغانستان را بررسی می‌کند. گاردین روز یکشنبه، ۱۴ جوزا، گزارش داده که مارل

طالبان دو تن را در بلخ به رگبار بستند



۸ صبح، بلخ: منابع محلی در ولایت بلخ می‌گویند که افراد طالبان در شهر مزارشریف، مرکز این ولایت، با شلیک گلوله یک جوان را کشتند و کاکایش را زخمی کردند. به گفته منابع، این رویداد، روز شنبه، ۱۳ جوزا، در نزدیکی هتل بند امیر از مربوطات حوزه نهم امنیتی شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ، رخ داده است.

طالبان در حالی بالای موتر یاسین گلوله‌باری کردند که وی همراه با پدر و کاکایش پس از درگیری فزینگی با یکی از دوستانش در محفل عروسی با به فرار گذاشته بود.

براساس اطلاعات منبع، جنگ‌جویان طالبان، پدر و کاکای زخمی فرد کشته شده را نیز بازداشت کرده‌اند.

به گفته باشندگان ولایت بلخ، این بار نخست نیست که افراد طالبان بدون تحقیق اقدام به تیراندازی بالای افراد ملکی در این ولایت می‌کنند، بلکه در گذشته نیز چندین تن بدون هیچ دلیلی از سوی افراد این گروه تیرباران شده‌اند.

در آخرین مورد، اواخر سال گذشته، ۸ تن در شهر مزارشریف در پی تیراندازی طالبان بر یک موتر کشته شدند.

مجاهد: هبت‌الله خواهان روابط خوب با مردم و جامعه جهانی است



(جامعه جهانی) هرگز از ما حمایت نخواهند کرد. پس ما چرا باید به خواسته‌های‌شان گوش دهیم؟»

گفته‌های مجاهد در حالی بیان می‌شود که پیش از این رهبر طالبان گفته بود که تعامل این گروه با جهان در روشنائی «احکام شریعت دین مقدس اسلام» است.

هبت‌الله تا کنون در مقابل شهروندان کشور ظاهر نشده است و در چندی موردی که با مردم سخن زده است، پشت به مردم کرده و دیگر ارتباطی حتا با همه اعضای گروه طالبان ندارد.

۸ صبح، کابل: در حالی که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان خود را از انظار پنهان و در خفا زنده‌گی می‌کند و با جامعه جهانی و ارزش‌های حقوق بشری صریحاً مخالفت می‌کند و ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه گفته است که او می‌خواهد روابط خوب با مردم و جامعه جهانی داشته باشد.

مجاهد روز یکشنبه، ۱۴ جوزا، در گفت‌وگو با روزنامه واشنگتن پست این سخنان را بیان کرده است. او در مورد هبت‌الله گفته است: «او در این جا در یک خانه اجاره‌ای زنده‌گی می‌کند، نه یک قصر مجلل در کابل.» به گفته وی، رهبر طالبان می‌خواهد روابط بهتری با ملت و جامعه جهانی داشته باشد. مجاهد تصریح کرده است که طالبان خواهان روابط خوب با جهان هستند، اما این موضوع نمی‌تواند یک طرفه باشد. سخنگوی طالبان خاطر نشان کرده است: «آن‌ها

راهی برای افزایش عواید؛ طالبان برای ثبت موترهای فرمان‌راسته تعرفه بلند وضع کرده‌اند



معاهده هلمند؛ ایران بیشتر از حش آب می‌گیرد



۵ صفحه

۶ صفحه



افغانستان در یک سال حدود ۲۶۰ میلیون دالر از کشورهای همسایه برق خریده است



۸صبح، کابل: مسولان شرکت برشنا می‌گویند که افغانستان در سال گذشته میلادی در مجموع به ارزش بیش از ۲۶۰ میلیون دالر از تاجیکستان، اوزبیکستان و ایران برق وارد کرده است.

عبدالرحمان رحمانی، رییس شرکت برشنا در گزارش سالانه خود، روز یکشنبه، ۱۴ جوزا، گفته است که این شرکت تنها به تاجیکستان در سال ۲۰۲۲، ۹۶ میلیون دالر بابت خرید برق پرداخته است.

به گفته رحمانی، همچنان در سال گذشته ۹۴ میلیون دالر به اوزبیکستان و ۶۲ میلیون دالر به ایران پرداخت شده است. در کنار واردات برق از کشورهای همسایه، شرکت برق افغانستان، ۲۲،۳ میلیون افغانی به شرکت‌های تولید برق داخلی نیز واریز کرده است.

افغانستان با وجود داشتن منابع آبی متعدد، به شدت وابسته به برق وارداتی از کشورهای همسایه است.

بربنیاد اطلاعات، در حال حاضر حدود ۷۵ درصد برق مورد نیاز افغانستان از کشورهای همسایه تامین می‌شود.

شرکت برشنا در حالی از پرداخت هزینه هنگفت مالی به کشورهای همسایه شمالی افغانستان خبر می‌دهد که در اوایل سال روان میلادی، تاجیکستان و اوزبیکستان به دلیل آنچه که بدهکاری افغانستان از درک قرض عنوان کرده‌اند، برای چندین روز جریان برق به کشور را قطع کردند.

گفتنی است که تنها شهر کابل در فصل‌های مختلف از ۵۰ تا ۸۰ میکاوات برق ضرورت دارد.

بربنیاد اطلاعات، در حال حاضر حدود ۷۵ درصد برق مورد نیاز افغانستان از کشورهای همسایه تامین می‌شود.

شرکت برشنا در حالی از پرداخت هزینه هنگفت مالی به کشورهای همسایه شمالی افغانستان خبر می‌دهد که در اوایل سال روان میلادی، تاجیکستان و اوزبیکستان به دلیل آنچه که بدهکاری افغانستان از درک قرض عنوان کرده‌اند، برای چندین روز جریان برق به کشور را قطع کردند.

گفتنی است که تنها شهر کابل در فصل‌های مختلف از ۵۰ تا ۸۰ میکاوات برق ضرورت دارد.

گفتنی است که تنها شهر کابل در فصل‌های مختلف از ۵۰ تا ۸۰ میکاوات برق ضرورت دارد.

دعوا بر سر شارژ گوشی؛ کودک ۱۳ ساله بامیانی خودکشی کرد



۸صبح، بامیان: منابع محلی در بامیان می‌گویند که یک کودک در این ولایت، پس از دعوا با مادرش خود را خلق آویز کرده است.

این کودک عصر روز شنبه، ۱۳ جوزا، در ساحه زرگران از مربوطات حوزه سوم امنیتی مرکز بامیان خودش را کشته است.

محمد الیاس پس از دعوی لفظی با مادرش بر سر شارژ کردن تلفن همراهش، خود را حلقه آویز کرده است.

به گفته منبع، جسد محمد الیاس، حوالی ساعت ۴:۰۰ عصر روز گذشته به شفاخانه ولایتی بامیان منتقل شده است.

مسولان محلی طالبان در بامیان تا کنون در مورد این رویداد ابراز نظری نکرده‌اند.

براساس اطلاعات روزنامه ۸صبح، طی بیشتر از دو ماه این پنجمین رویداد خودکشی در میان کودکان و نوجوانان است که در ولایت بامیان ثبت می‌شود. گفتنی است که در یک ماه گذشته، ۱۳ زن و ۱۲ مرد، عمدتاً به دلیل فقر و تنگدستی در نقاط مختلف کشور دست به خودکشی زده‌اند.

کارشناسان چینی: دست‌درازی‌های امریکا و ناتو منجر به بحران‌های انسانی در منطقه شده است



۸صبح، کابل: کارشناسان نظامی چین می‌گویند که امریکا و ناتو، در ۴۰ سال گذشته با دست‌درازی سبب درگیری‌ها و جنگ در افغانستان، شماری از کشورهای خاورمیانه و اروپا شده‌اند.

وانگ یو، سفیر چین در کابل، روز سه‌شنبه، ۱۳ جوزا، در رشته‌توییتی به نقل از کارشناسان نظامی کشورش نوشته است که بحران‌های موجود و فاجعه‌های انسانی در منطقه حاصل دست‌درازی‌های امریکا و ناتو است.

وی تصریح کرده است: «ما دلایلی برای نگرانی داریم. مداخله ناتو به رهبری ایالات متحده در منطقه آسیا و اوقیانوسیه، ممکن است سبب بی‌ثباتی و ناآرامی شود و حتی می‌تواند منجر به درگیری و هرج‌ومرج شود.»

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که طی دو دهه گذشته، چین مخالف حضور امریکا و غرب در افغانستان بود. مقام‌های چینی پیش از این نیز، امریکا و ناتو را مسوول بحران کنونی افغانستان دانسته‌اند. پس از خروج آشفته نیروهای بین‌المللی به رهبری امریکا از افغانستان و تسلط دوباره طالبان، چین از جمله معدود کشورهای است که روابط دیپلماتیک و اقتصادی رسمی خود را با این گروه آغاز کرد.

کارشناسان نظامی چین در حالی امریکا و ناتو را متهم به ایجاد آشفتنگی و درگیری در کشورهای همجوار خود می‌کنند که بیجینگ و واشنگتن از چندین سال به این سو بر سر جزیره تایوان و دریای چین جنوبی باهم اختلاف دارند.

در دوره بیست‌ساله نظام جمهوری، نیروی مرفقی دچار پراکنده‌گی و فاقد دید استراتژیک بود و در نتیجه میدان را به نیروی ارتجاعی باخت و معادلات منطقه‌ای و جهانی به سود طالبان تغییر کرد. طالبان با آن‌که در اساس یک اقلیت است و در یک رقابت مسالمت‌آمیز چیزی بیش از یک حزب سیاسی نخواهد بود، اما در اثر پاشیده‌گی و ناکامی طرف مقابل، توانست به سطحی ارتقا کند که طرف تعامل با دنیا شود و این به پیروزی این گروه انجامید.

مشکلی که طالبان دارند، این است که وصله‌ای ناجور در جهان جدید به نظر می‌رسند و هیچ کشوری نمی‌تواند آن‌ها را به رسمیت بشناسد. این نقطه ضعف طالبان تبدیل به یکی از نقاط قوت گروه‌های مرفقی می‌شود و آن را برای دنیا قابل قبول می‌سازد. پرسش اما این بار از امکان تشکیل جبهه کلان از نیروهای مرفقی است که آیا می‌تواند معادله را چنان عوض کند که گروه‌های خنثا را از طالبان جدا و به سود ارزش‌های مرفقی بسپار کند یا نه.

پس بهتر است به جای پرسش از ماندگاری طالبان، پرسش از نیروی جای‌گزین این گروه را به میان آورد و پرسید که آیا نیروهای غیرطالبان می‌توانند شایسته‌گی خود را به‌عنوان جای‌گزین این گروه به اثبات برسانند؟

پرسش از ماندگاری طالبان البته پرسشی جدی است، چه آشفته‌گی کنونی در روان جمعی مردم ما دوام آورد و چه رخت بر بندد. پاسخ این پرسش البته به‌ساده‌گی و قطعیت فرمول‌های ریاضی-فیزیک نیست؛ زیرا به متغیرهای گوناگونی بسته‌گی دارد. یکی از عوامل عمده تسلط طالبان بر کشور، تغییر استراتژی قدرت‌های بزرگ بود. استراتژی قدرت‌های بزرگ در سطح منافع کلان ملی‌شان ثابت و در نحوه تعامل با قضایای منطقه‌ای مانند افغانستان متغیر است و بسته به آن‌چه در روی زمین اتفاق می‌افتد، تغییر می‌کند، نه این‌که چیزی در جایی تصویب و سپس به هر قیمتی دنبال شود. در واقع انعطاف‌پذیری فراوانی در این سطح وجود دارد و برنامه‌ها متناسب با هر تحولی در روی زمین عوض می‌شود. به عبارتی، تحولات داخلی کشورها هرچند تغییری در رویکرد استراتژیک قدرت‌های بزرگ نمی‌آورد، اما تاثیر مستقیمی بر برنامه‌های کاری کوتاه‌مدت‌شان دارد.

مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده داخلی که در برنامه‌های کوتاه‌مدت قدرت‌های بزرگ‌تر تاثیر مستقیم دارد، شکل‌گیری نیروی جای‌گزین طالبان است. برداشت ناظران بیرونی این است که در افغانستان دو نیروی اصلی وجود دارد؛ یکی نیروی گذشته‌گرا و ارتجاعی که مانع توسعه افغانستان در جهت ارزش‌های مدرن است و با تکیه بر ارزش‌های جامعه سنتی و روستایی این کشور در برابر هر تحول ریشه‌ای مقاومت می‌کند و امروزه طالبان نماینده این بخش از بدنه آن اجتماع است. در طرف مقابل، نیروی مرفقی و طرف‌دار مدرنیزاسیون است که می‌خواهد نظامی دموکراتیک و جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های شهری و مدنی داشته باشد. در این میان نیروی سومی هم وجود دارد که به لحاظ ارزشی خنثا است و به سود هیچ کس نمی‌جنگد، اما به لحاظ عملی فرصت‌طلب است و کفه ترازو را به سود هر طرفی که قوی‌تر یافت، سنگین می‌کند و سیاهی لشکر آن می‌شود.

در دوره بیست‌ساله نظام جمهوری، نیروی مرفقی دچار پراکنده‌گی و فاقد دید استراتژیک بود و در نتیجه میدان را به نیروی ارتجاعی باخت و معادلات منطقه‌ای و جهانی به سود طالبان تغییر کرد. طالبان با آن‌که در اساس یک اقلیت است و در یک رقابت مسالمت‌آمیز چیزی بیش از یک حزب سیاسی نخواهد بود، اما در اثر پاشیده‌گی و ناکامی طرف مقابل، توانست به سطحی ارتقا کند که طرف تعامل با دنیا شود و این به پیروزی این گروه انجامید.

استخراج غیرمعیاری معادن؛

طالبان برای ۱۴ معدنچی جواز استخراج معادن زغال سنگ را در بغلان صادر کردند

۸صبح، کابل: شهاب‌الدین دلاور، سرپرست وزات معادن و پترولیم تحت مدیریت طالبان در سفرش به ولایت بغلان، برای ۱۴ معدنچی جوازنامه استخراج معادن زغال‌سنگ را توزیع کرده است.

خبرگزاری باختر تحت کنترل طالبان روز یکشنبه، ۱۴ جوزا، به نقل از دلاور نوشته است که این جوازها به‌گونه موقت برای نه ماه داده شده است و کسانی که بتوانند در این مدت به‌طور معیاری و مطابق به شرایط وزارت معادن و پترولیم، فعالیت داشته باشند جواز شان تمدید خواهد شد.

امین‌الله احمدی، رییس تصدی زغال‌سنگ سمت شمال کشور گفته است: «براساس سروی آنان در ۴۰۰ ساحه بغلان معادن زغال‌سنگ موجود است و از این رو برای استخراج قانونی زغال‌سنگ، ۱۴ صوف جوزا فعالیت صادر شده است.»

این در حالی است که استخراج غیرمعیاری معادن در نقاط مختلف کشور، همواره جان شهروندان را گرفته است.

چندی پیش دو کارگر یک معدن طلا در روستای زرناداب ولسوالی راغستان ولایت بدخشان، هنگامی جان باختند که مصروف کار بودند.



طالبان پسر فرمانده امنیه ولسوالی قره‌باغ غزنی در حکومت پیشین را بازداشت کردند

۸صبح، غزنی: منابع محلی در ولایت غزنی می‌گویند که طالبان پسر ۱۳ ساله رمضان زیرک، فرمانده امنیه ولسوالی قره‌باغ این ولایت در حکومت پیشین را بازداشت کرده‌اند.

منابع از این ولایت روز یکشنبه، ۱۴ جوزا، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان این فرد را روز گذشته از داخل منزل آقای زیرک در قره‌باغ بازداشت کرده‌اند.

منابع تاکید دارند که فرد بازداشت شده هم‌اکنون در فرماندهی امنیه این ولسوالی در بند طالبان است.

به گفته منابع، با تلاش‌های مکرر ریش سفیدان، طالبان از روز گذشته تا حال حاضر نشده‌اند تا این کودک را از بند آزاد کنند.

طالبان به خانواده این کودک نیز اجازه دیدن او را نداده و گفته‌اند که تحت بازجویی قرار دارد.

گفتنی است که آقای رمضان زیرک پس از سقوط حکومت پیشین به بیرون از کشور رفته است و خانواده‌اش در ولسوالی قره‌باغ زنده‌گی می‌کنند.

پیش از این نیز طالبان همواره دست به بازداشت اعضای فامیل نظامیان حکومت پیشین زده‌اند.

گندم لکمی در افغانستان به علوفه حیوانات مبدل می‌شود



امین کاوه

شماری از نهادهای بین‌المللی از خشک‌سالی متواتر در افغانستان ابراز نگرانی کرده‌اند. این نهادها تأکید می‌کنند که خشک‌سالی در کنار سایر بحران‌ها، میزان نیازمندی مردم به کمک‌های بشری را افزایش داده است. دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گفته است که افغانستان در معرض پیامدهای مخرب تغییر اقلیمی قرار دارد.

نشانه‌های خشک‌سالی از چندین سال به این طرف در افغانستان مشاهده شده است. شمار زیادی از شهروندان کشور از کمبود شدید آب آشامیدنی و زراعتی رنج می‌برند و از شدت خشک‌سالی در مناطق شان شکایت دارند. برخی از آنان ادعا می‌کنند که کشت‌زارهای لکمی‌شان خشک شده است. طالبان به باشندگان هرات گفته‌اند که از کشت شالی به دلیل خشک‌سالی جلوگیری کنند. با این حال سازمان بین‌المللی صلیب سرخ گفته است که افغانستان وارد سومین سال متوالی شرایط خشک‌سالی و دومین سال فلج‌کننده اقتصادی می‌شود. به گفته صلیب سرخ، خشک‌سالی نیازهای بشردوستانه را افزایش داده است. از سوی دیگر، دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد در افغانستان (اوجا) گفته است که تغییرات اقلیمی دست‌رسی به آب را در سراسر کشور کاهش داده است. گفتنی است که افغانستان دارای ظرفیت پایین ذخیره آب در منطقه است و با توجه به نبود تخصص و مدیریت لازم، بیشتر شهروندان کشور نگران و به فکر ترک مناطق شان شده‌اند.

در کنار سایر بحران‌های دامن‌گیر افغانستان، خشک‌سالی نیز کام زمین و دهقانان را در حال خشکیدن قرار داده است. براساس دسته‌بندی خشکیدن فصل‌ها برای کشت و زراعت در افغانستان، بهار، آغاز روییدن امیدهای میلیون‌ها دهقان است که زمستان‌های سخت را پشت سر می‌گذرانند. اما بهار امسال آرزوی هزاران دهقان که بدر امید را در دل زمین کاشتند تا لقمه‌ای نان به دست بیاورند را به یأس مبدل کرده است. شماری از شهروندان در صحبت با روزنامه ۸ صبح از کاهش آب آشامیدنی و آب برای زراعت به شدت ابراز نگرانی کرده‌اند. آنان می‌گویند اکثریت کسانی که پیشه دهقانی دارند، در نتیجه خشک‌سالی با گرسنه‌گی مواجه خواهند شد.

تصاویری که از کشت‌زارهای گندم در بلخ به دسترس روزنامه ۸ صبح قرار گرفته، نشان می‌دهد که اکثریت این حاصلات خشک شده و زمین‌ها به کویر مبدل گردیده است. یک باشنده روستای تنج ولسوالی کشته این ولایت، به روزنامه ۸ صبح گفت: «شما به منطقه بیایید، ببینید. ۱۲ من کشت کردیم، علم نمی‌آید که دو من بار بگیریم. در کمبود علوفه

و آذوقه مال، بعضی‌هایش را مرکب و مال خود را بسته می‌کنیم. نه سر است، نه گندم است. حیوان و انسان در این‌جا تلفات می‌بینند. مال ما هم از بین می‌رود. به ما مردم کمک شود.» حبیب‌الله جعفری، باشنده بلخ، در صفحه فیس‌بوکش نوار تصویری از کشت‌زارهای گندم لکمی را به اشتراک گذاشته است. او می‌گوید: «امروز ولسوالی کشته آمده‌ایم. متأسفانه گندم‌هایی را که شما می‌بینید، خوشه دارد، اما دانه ندارد. خشک شده است. خشک‌سالی ۱۰۰ فیصد تمام ولسوالی‌ها مخصوصاً ولسوالی کشته را تهدید می‌کند. متأسفانه وضعیت بسیار نگران‌کننده است. خوشه گندم را که شما می‌بینید، بین آن چیزی پیدا نمی‌شود. غیر یکی یا دو گندم پیدا شود، دیگر گندم ندارد. در یک خوشه یک تا گندم یا دو گندم بیشتر ندارد. کلش کاه است. متأسفانه وضعیت بسیار نگران‌کننده است. مردم تقاضای کمک‌های بیشتر را دارند. مواشی علوفه‌ای برای خوردن ندارد، آب آشامیدنی پیدا نمی‌شود. وضعیت بسیار نگران‌کننده است.»

ولایت نیمروز که با واقع شدن سد کمال‌خان در آن، اخیراً به کانون داغ تنش‌های مرزی با ایران تبدیل شده، نیز از شدت خشک‌سالی رنج می‌برد. به‌تازگی نوار تصویری نشر شد که در آن، کشاورزان کشت‌زارهای شان را با استفاده از تانکر آبیاری می‌کنند. این خشک‌سالی‌های پیهم عبدالستار، باشنده شهر زرنج را نگران ساخته است. به گفته او، مردم زرنج یک بشکه آب آشامیدنی را به ۱۵ تا ۲۰ افغانی می‌خرند و حالا او نیز به منظور شستن ظرف، برای خرید یک تانکر آب ۵۰۰ افغانی می‌پردازد. عبدالستار به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «پنج سال است که از کشت و زراعت خیری ندیدیم. در منطقه نادعلی زمین‌داری هم داریم. سه سال گندم و پالیز کشت کردم، هیچ حاصل نداد. پول کارگر، تراکتور و مصارفی که کردم، کلاً تاوان شد. از همین [خاطر] گفتم از زراعت بگذرم بهتر است.» او می‌افزاید: «نیمروز بسیار خشک‌سالی شده است. ما همین حالا به زرنج آب آشامیدنی را یک گالون به ۱۵ تا ۲۰ افغانی می‌خریم و این سال‌ها که مجبوریم آب که برای ظرف به خانه استفاده می‌شود را یک تانکر به ۵۰۰ بخریم.»

ولایت غور از ولایت‌های دیگر کشور است که از

چند سال به این سو از خشک‌سالی رنج می‌برد. اکثریت باشندگان و دهقانان این ولایت به دلیل خشک‌سالی برای کار به ایران می‌روند. خشک‌سالی امسال نیز آنان را نگران ساخته است. عبدالله صدیقی، یکی از دهقانان از مربوطات شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بیش از ۷۰ درصد از کشت‌زارهای خشک شده است. او می‌افزاید: «هرچه کشت کرده بودیم، به دلیل نبود آب و باران به‌موقع کاملاً سوخته است و حاصلی از آن به دست نمی‌آید. همه پخل [کاه/علف] است. وضعیت همه یک رقم است. همه مردم از کشت دیمه [للمی] دست کشیده‌اند. وضعیت بسیار خراب است. آب نیست، کار نیست، کشت نیست. خدا خودش یک رحم بکند. از سه سال پیش شد که ما مردم تخم به زمین می‌اندازیم، حاصل بر نمی‌داریم.» این در حالی است که پیش از این طالبان به دهقانان در ولسوالی گذره ولایت هرات دستور تخریب مزارع برنج را داده‌اند. همچنان باشندگان هرات از بررسی چاه‌های آب توسط طالبان انتقاد کرده‌اند. طالبان اما گفته‌اند که این اقدام را برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه آب انجام داده‌اند.

نهادهای بین‌المللی: خشک‌سالی افغانستان سبب افزایش نیازمندی مردم می‌شود

شماری از نهادهای بین‌المللی از خشک‌سالی متواتر در افغانستان ابراز نگرانی کرده‌اند. این نهادها تأکید می‌کنند که خشک‌سالی در کنار سایر بحران‌ها، میزان نیازمندی مردم به کمک‌های بشری را افزایش داده است. دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گفته است که افغانستان در معرض پیامدهای مخرب تغییر اقلیمی قرار دارد. این نهاد پیشتر تصریح کرده است: «خشک‌سالی در بسیاری از نقاط کشور در حال تبدیل شدن به یک امر عادی است و باران‌های شدید بعضاً منجر به سیلاب و تخریب اراضی می‌شود. عواقبی که ما شاهد آن هستیم، نه‌تنها برای زنده‌گی افغان‌ها، بلکه برای توسعه اقتصادی، امنیت غذایی و مهاجرت بسیار شدید است.»

سازمان بین‌المللی صلیب سرخ نیز گزارشی را تحت نام «افغانستان: بحران بشردوستانه» در ۱۶ می سال جاری میلادی منتشر کرد. در این گزارش گفته شده

که خشک‌سالی‌های متواتر نیازهای بشردوستانه را در بخش‌های مختلف بحران کنونی در افغانستان افزایش داده است. صلیب سرخ در بخشی از این گزارش گفته است که افغانستان وارد سومین سال متوالی شرایط خشک‌سالی و دومین سال فلج‌کننده اقتصادی می‌شود. به گفته این نهاد، خشک‌سالی مداوم باعث کاهش کشت گندم شده و این کار با افزایش ناامنی غذایی، تأثیر نامطلوبی بر سلامت کشاورزی داشته است. این سازمان افزوده که خدمات تامین آب در افغانستان محدود شده است و این کشور از لحاظ دسترسی به زیرساخت‌های آب، در میان کم‌ترین سیستم‌های بهبودیافته آب در جهان قرار دارد. به گفته صلیب سرخ، در حال حاضر ۲۱.۲ میلیون تن به آب صحتی نیازمند هستند. این نهاد همچنان خاطر نشان ساخته که براساس نتایج مقدماتی ارزیابی کل افغانستان که در اگست و سپتامبر ۲۰۲۲ انجام شده، ۷۹ درصد خانواده‌ها به آب کافی دسترسی ندارند.

دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد در افغانستان (اوجا) نیز از کاهش آب در سراسر افغانستان خبر داده است. این نهاد در ۲۴ ژوئیه با نشر توییتی گفت: «تغییرات اقلیمی دسترسی به آب را در سراسر افغانستان کاهش می‌دهد. نسبت خانوارهایی که با کمبود آب مواجه هستند، از ۴۸ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۶۰ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۳، برای تسریع تغییرات و حل بحران آب و فاضلاب به ۴۷۹٫۴ میلیون دالر نیاز است.»

این در حالی است که پیش از این نیز گزارش‌های نهادهای بین‌المللی بیانگر خشک‌سالی احتمالی در افغانستان بود. برنامه زیست سازمان ملل متحد (UNEP) حدود یک‌ونیم دهه قبل با نشر یک گزارش تحلیلی در مورد تغییر اقلیم و پیش‌بینی‌ها برای آینده افغانستان، گفته بود که درجه حرارت در سراسر کشور افزایش یافته است. براساس این گزارش، اوسط درجه حرارت سالانه افغانستان از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۸ به ۰.۶ درجه سانتی‌گراد و سپس به‌گونه چشم‌گیری به ۱.۲ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است. بر مبنای این تحلیل، افزایش دمای حرارت باعث تشدید ذوب شدن برف و یخچال‌ها، افزایش سیلاب‌ها و طغیان دریاها شده است. براساس آمارهای سال‌های قبل، افغانستان به‌گونه تخمینی دارای یک هزار و ۵۵۷ مترمکعب آب سطحی برای فی نفر در سال است. همچنان افغانستان کشوری دارای ظرفیت پایین ذخیره آب در منطقه خوانده می‌شود. اولین گزارش ملی افغانستان برای چارچوب کنوانسیون سازمان ملل متحد پیرامون تغییر اقلیم که یک دهه قبل از سوی اداره محیط زیست وقت ارایه شد، بیانگر این بود که افغانستان بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ خورشیدی، سالانه ۲۹ هزار و ۴۰۰ هکتار جنگل را از دست داده است. این آمار تا ۱۳۸۴ حدود ۲٫۲۹ درصد افزایش یافته بود.

ایجاد بندهای کوچک، بازسازی کاریزها، تغییر شیوه‌های آبیاری به‌شکل قطره‌ای، معرفی نباتاتی که به آب کمتر نیاز داشته باشند، نگهداری علف‌چرها، ساخت یخچال‌های مصنوعی، جلوگیری از قطع جنگلات، ایجاد ظرفیت‌های مسلکی و تخنیکی و افزایش آگاهی عامه در این زمینه، از مواردی خوانده می‌شود که برای مبارزه با خشک‌سالی و تغییر اقلیم مفید است. گفتنی است که حکومت پیشین از صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF) و صندوق سرمایه‌گذاری اقلیم سبز (GCF) که در سال ۲۰۱۱ زیر چتر کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر اقلیم (UNFCCC) ایجاد شده بود، برای مبارزه با تغییرات اقلیمی کمک مالی دریافت می‌کرد، در حالی که اداره محیط زیست زیر کنترل طالبان تا کنون به‌گونه مستقیم قادر به انجام این کار نشده است. این گروه پیشتر به نشست‌های مهم محیط زیستی، از جمله کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در زمینه تغییر اقلیم نیز دعوت نشده بود. این نشست سال گذشته خورشیدی در شرم‌الشیخ مصر برگزار شد.



سیاست خارجی ایران
را سپاه پاسداران
می‌سازد. به این موضوع محمد
جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین
ایران، در فایلی که از یک
مصاحبه او در فضای مجازی درز
کرده نیز اعتراف کرده است.
ظریف در این مصاحبه گفته که
گاهی رشته‌های وزارت خارجه با
مداخله «میدان» و نظامیان پنبه
می‌شده است.

چرا ایران طالبان را بر احمد مسعود ترجیح می‌دهد؟

شهاب

پس از وقوع درگیری اخیر مرزی میان مرزبانان طالبان و ایرانی، احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، در واکنش به آن، مصرعی از یک غزل پرواژه مولانا را توییت کرد: «نگفتمت مرو آن‌جا که آشناست منم؟». این توییت بازتاب گسترده‌ای یافت و واکنش‌های متفاوتی در میان اهالی افغانستان و ایران ایجاد کرد. قطع نظر از واکنش‌ها، فحواوی توییت احمد مسعود برای اولین بار به‌صورت رسمی این واقعه را آشکار کرد که رابطه جبهه احمد مسعود با دولت ایران در وضع مطلوب قرار ندارد و تلاش‌های مسعود برای متقاعد کردن ایرانی‌ها در جهت پشتیبانی مادی و معنوی از او، با ناکامی مواجه شده است. پیش از این هم رویکرد رسمی دولت ایران در قبال حوادثی که در این دو سال در افغانستان روی داده، نمایان‌کننده این بود که دولت ایران با طالبان به‌عنوان طرف مورد تعامل و اعتماد برخورد می‌کند و از پیروزی آن‌ها علیه «نظام مورد حمایت غرب» در پوست خود نمی‌گنجد. حتا باری، یکی از مسوولان وزارت خارجه ایران، مقاومت علیه طالبان را پروژه آمریکا دانست. اصل حرف این است که ایران تصور می‌کند که در پیروزی رساندن طالبان نقش دارد و از این جهت، این گروه را مرهون احسان خود می‌شمارد و به این گمان است که این گروه، منافع ایران را در افغانستان قادر است به‌صورت بهتر تأمین کند. ایرانی‌ها آن‌چنان در استوار نگه داشتن رابطه خود با طالبان عزم جدی دارند که یکی از آن‌ها در عکس‌العمل نسبت به درگیری‌های مرزی میان ایران و طالبان که تلفات جانی هم در پی داشت، این درگیری‌ها را کم‌اهمیت دانست و از آن به‌عنوان «اختلاف خانواده‌گی» یاد کرد.

مسوولان دولت ایران، در توجیه حمایت خود از گروه بدنام و واپس‌گرای طالبان و اقلیت افکار عمومی، تا کنون به دستاویزهای مختلف متوسل شده‌اند. در اول، رسانه‌های دولتی ایران، بر این نکته پای می‌فشرند که طالبان فعلی با طالبان دهه ۹۰ میلادی فرق دارند و دست‌خوش دگردیسی شده‌اند. در آن زمان، رسانه‌های غربی هم همین کار را می‌کردند. در این راستا، بعضی از مقام‌های ایرانی از این گروه به‌عنوان «جنبش اصیل منطقه» یاد می‌کردند که نماینده فرهنگ و اصالت‌های بومی ساکنان افغانستان است و ریشه در خاک این کشور دارد و فرهنگ‌های غیربومی را پس می‌زند و از این لحاظ قابل ستایش و حمایت است. در آخرین مورد از این دست تئوری‌سازی‌ها، به گزارش روزنامه هم‌میهن، چاپ تهران، بعضی از مسوولان ایرانی به محمدحسین جعفریان، فعال رسانه‌ای سرشناس ایرانی که رابطه نزدیکی با احمد مسعود دارد، در مقام تلاش برای موجه و معقول نشان دادن استراتژی خود در برابر طالبان گفته‌اند که احمد مسعود سکولار است و ما هیچ وجه مشترکی با او نداریم. حال آن که طالبان مسلمان هستند و از این لحاظ حداقل ده درصد با آن‌ها مشترکات داریم. این حرف مسوولان ایرانی بیان‌گر عمق اختلاف و فاصله‌ای است که میان ایران و مخالفان طالبان به‌وجود آمده و به نظر نمی‌رسد به‌آسانی قابل ترمیم باشد.

تحلیل من این است که تدوین‌کننده‌گان سیاست

خارجی دولت ایران، نه به‌خاطر مسلمان بودن طالبان و نامسلمان بودن مخالفان آن‌ها و نه به‌دلیل ریشه‌دار و اصیل بودن جنبش طالبان، به حمایت بی‌دریغ از طالبان می‌پردازند و از هم‌پیمانان خود در درون افغانستان هم خواسته‌اند از طالبان پشتیبانی کنند. اگر ملاک سکولار بودن یا نبودن می‌بود چرا ایرانی‌ها اقدام به حمایت بی‌رویه از بشار اسد، دیکتاتور سوریه، کردند؟ آیا از نظر آن‌ها، مسعود پسر سکولارتر از بشار اسد است؟ واقعیت آن است که شاخص‌ها و پارامترهای دیگری در هم‌پیمانی ایران با طالبان و نادیده‌انگاشتن مخالفان این گروه دخالت دارد. این شاخص‌ها و عوامل را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. سیاست خارجی ایران را سپاه پاسداران می‌سازد. به این موضوع محمد جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران، در فایلی که از یک مصاحبه او در فضای مجازی درز کرده نیز اعتراف کرده است. ظریف در این مصاحبه گفته که گاهی رشته‌های وزارت خارجه با مداخله «میدان» و نظامیان پنبه می‌شده است. از سراسر آن مصاحبه افشاشده برمی‌آید که وزارت خارجه ایران نقش‌چندانی در تدوین راهبردهای سیاست خارجی ایران ندارد. با این توضیح، می‌توان گفت، با توجه به این که امنیتی‌ها و نظامیان به حوادث و تحولاتی که در کشورهای همسایه و منطقه اتفاق می‌افتد از زاویه امنیتی نگاه می‌کنند، گاهی اوقات به پیچیده‌گی‌ها پی نمی‌برند و دوراندیشانه رفتار نمی‌کنند. پالیسی‌سازان سپاه پاسداران بر بنیاد فرمول «دشمن دشمن من دوست من است» عمل می‌کنند. آن‌ها به این گمان هستند که طالبان با مجبور کردن آمریکا برای خروج از افغانستان، بزرگ‌ترین خدمت را به ایران انجام داده‌اند و از این رهگذر شایسته دوستی و همپیمانی هستند. سیاست‌سازان ایرانی، ملاک دوستی و دشمنی را در دوستی یا تقابل با آمریکا می‌شمارند و بدون آن که از پیچیده‌گی راهبردهای درازمدت کشورها سر در بیاورند، به غلط طالبان را جنبش ضد آمریکایی می‌شمارند. با این حال، دیرباورترین تحلیل‌گران هم اکنون اذعان می‌کنند که طالبان نه تنها خطری برای منافع ایالات متحده ایجاد نکرده‌اند بلکه برپایه توافق‌نامه دوحه، متعهد به تأمین منافع این کشور در قلمرو خود هستند. بی‌جهت نیست که آمریکا به تبع آن، سایر غربی‌ها نه تنها از مخالفان طالبان حمایت نمی‌کنند بلکه به صراحت رویکرد مخالفان مسلح رژیم طالبان را می‌نکوهند. امریکاستیزی افراطی، چشم مسوولان ایرانی را کور کرده و موجب شده حقایق را به‌درستی درک نکنند.

۲. با آن که ایران در سقوط دادن طالبان در سال ۲۰۰۱ با آمریکا همکاری کرد، اما این کشور از همان آغاز هرگز دوست نداشت در همسایه‌گی‌اش نظامی برقرار شود که اصول دموکراسی را رعایت کند و به حقوق بشر و حقوق زنان و اقلیت‌ها اهمیت قابل توجهی دهد. به الگوی آزادی و توسعه در منطقه تبدیل شود و به همین سبب در سبوت‌اژ کردن روند پس از آن از هیچ تلاشی دریغ نوزید. حاکمان ایران از

این واژه داشتند که قوام یافتن روندهای پیش‌رو در افغانستان، ممکن است برای شهروندان ایران که از گذشته با سیاست‌های حاکم در این کشور مخالفت داشته‌اند، الهام‌بخش باشد و برای آنان انگیزه مضاعف برای شورش علیه جمهوری اسلامی خلق کند. با بازگشت طالبان، جمهوری اسلامی با رژیم در افغانستان مواجه است که شباهت‌های فراوانی با آن دارد و در برابر آزادی‌های فردی، سیاسی و اجتماعی محدودیت ایجاد می‌کند و زنان را از تحصیل و فعالیت روزمره محروم می‌کند. علاوه بر آن، ایران همانند پاکستان دوست ندارد در افغانستان نظام نیرومند و کاربلد حاکم باشد و برای دستیابی به منافع ملی این کشور پی‌گیر باشد و خطوط قرمز برای خود ترسیم کند. این که عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران، درگیری مرزی میان ایران و طالبان را که منجر به کشته شدن دو تن از سربازان ایرانی شد، اختلاف خانواده‌گی می‌داند برخاسته از همین دیدگاه است.

۳. یکی از نقاط وصل طالبان و دولت ایران قاچاق مواد مخدر است. نام طالبان از همان آغاز تا کنون با کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر گره خورده است. بازگشت طالبان، کشت و قاچاق مواد مخدر را آسان‌تر و آزادتر از قبل ساخته و به همین جهت است که برای مثال، بنابر گزارش‌ها، امسال کشت کوکنار افزایش قابل توجه یافته است. سپاه پاسداران در دولت ایران نیز در تجارت مواد مخدر در سطح منطقه نقش مهمی دارد. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رییس پیشین کمیسیون امنیت ملی پارلمان ایران، پس از وقوع درگیری مرزی میان ایران و طالبان، مصاحبه‌ای انجام داد و در آن، از سیاست‌گذاران خارجی ایران که به گفته او، نوعی ترس را به سیاست خارجی ایران در مورد افغانستان تحمیل کرده‌اند و همین باعث شده که سفارت را به طالبان تحویل دهند، انتقاد کرد و پیشنهاد داد که باید دست طالبان از منابع قاچاق عظیم مواد مخدر به ایران کوتاه ساخته شود. بنابر ادعای او، درآمدی که طالبان و سایر قاچاقچیان افغان از صادرات مواد مخدر به ایران به دست می‌آورند، بیش از کل عملکرد عمرانی ایران در طی یک سال است. این حرف‌های فلاحت‌پیشه به‌طور ضمنی این مساله را تثبیت می‌کند که دولت ایران با طالبان در قاچاق مواد مخدر همکاری است و با آن که توان کور کردن منابع مواد مخدر این گروه را دارد، تا کنون به این کار اقدام نکرده است. فلاحت‌پیشه که این پیشنهاد را کرده عمداً این موضوع را نادیده گرفته که اگر قرار بر خشکاندن منابع مواد مخدر طالبان باشد، تنها طالبان زیان نمی‌کنند، دولت ایران و گروه‌های نیابتی آن نیز در سراسر منطقه از این ناحیه ضربه می‌خورند. طبعاً عقلائی نیست دولتی که تحت شدیدترین تحریم‌های جهانی قرار دارد از این منبع درآمد چشم‌پوشی کند و به دلیل درگیری‌های گاه و بیگاه مرزی به ترانزیت مواد مخدر آسیب بزند. با این توضیحات، باید به این نتیجه رسید که استقرار رژیم طالبان، از نظر اقتصادی نیز به دولت ایران یاری می‌رساند و از این‌رو، مسوولان ایرانی ترجیح

می‌دهند نظامی در افغانستان برقرار باشد که به قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی پابند نباشد و نه تنها اراده‌ای برای ریشه‌کن کردن مواد مخدر در کشور نداشته باشد بلکه تسهیل‌کننده کشت، تولید و ترانزیت آن نیز باشد.

۴. واقع‌گرایی سیاسی نیز حکم می‌کند که دولت ایران با طالبان وارد تعامل شود. تا حالا بدیلی برای طالبان وجود ندارد. مخالفان طالبان تا کنون نتوانسته‌اند دستاورد قابل توجهی داشته باشند. طالبان در حال حاضر جغرافیای افغانستان را در اختیار دارند و رهبری سی و چند میلیون شهروند کشور بر عهده آن‌هاست. طالبان توانسته‌اند مقاومت‌های مسلحانه را به‌آسانی خاموش کنند. چند میلیون شهروند افغانستان در ایران حضور دارند و برای سروسامان دادن به امور این مهاجران، ایران ناگزیر است با طالبان تعامل کند. همچنین ایران برای خود در افغانستان منافع تعریف کرده و در حال حاضر هیچ گروهی جز طالبان قادر به تأمین منافع ایران نیست، چون هیچ دسته و گروه دیگری به جز طالبان اجازه فعالیت و تحرک در خاک افغانستان را ندارند. این که احمد مسعود و امثال او فکر می‌کنند حوزه تمدنی و زبان فارسی می‌تواند وجه مشترکی میان او و ایرانی‌ها باشد، سخت اشتباه می‌کنند. برای رژیم ایران، آنچه اهمیت دارد منافع این کشور است و این کار را نمی‌توان با شعر مولانا و سعدی و حافظ و وجوه مشترک زبانی و فرهنگی تأمین کرد. «آشنایی» در میدان سیاست، براساس منافع مشترک حاصل می‌شود نه به‌توسل به شعر و ادبیات. این که مخالفان طالبان از ایرانی‌ها توقع داشته باشند که در سیاست‌های منطقه‌ای خود مقولات فرهنگی را رعایت کنند و به زبان و مذهب اولویت قابل شوند، نه تنها توقع بی‌جاست بلکه بیان‌گر عمق ناآشنایی آنان با منطق سیاست و حکمرانی است. دولت ایران، همانند هر دولت دیگری در روی گیتی، در صورتی که زبان و مذهب بتواند منافع و مصالحش را برآورده کند از آن بهره می‌برد و اگر چنین نبود آن را به باد فراموشی می‌سپارد. دنیای سیاست، دنیای پیچیده و شگفت‌انگیزی است. اگر کسی مستعد فریب خوردن به ظواهر باشد و قادر نباشد به عمق رویدادها پی ببرد، بهتر است عطای سیاست را به لقاییش ببخشد.

در فرجام باید گفت، طالبان گروهی است که همیشه با زور سرنیزه به مقاصدش دست یافته و در طی قریب به سی سال از عمرش کمترین سازشی به خرج نداده است. این گروه برای رام کردن شهروندان افغانستان نیز از زور و سلاح به‌صورت گسترده کار می‌گیرد. رهبران و فرماندهان طالبان گمان می‌کنند که آمریکا را وادار به فرار از کشور کرده‌اند و از این جهت، سرمست از باده غرور هستند. بسیار دشوار است گروهی با چنین روحیه‌ای با کشورهای همسایه با مدارا رفتار کند و از اصول اولیه ایدئولوژیک خود کوتاه بیاید. عده‌ای در ایران این گمانه را دامن می‌زنند که طالبان را آمریکا تحریک می‌کند تا مرزهای ایران را ناامن بسازند و دولت ایران را در باتلاق افغانستان وارد کنند. معلوم نیست این تحلیل تا چه اندازه در میان تصمیم‌سازان در ایران طرف‌دار دارد، اما در اظهارات بعضی از مقام‌های ایرانی پس از وقوع درگیری مرزی اخیر، تلویحاً به این موضوع هم اشاره شده بود. اگر این تحلیل در نزد مسوولان ایرانی به‌گونه جدی مطرح باشد، در آن صورت آن‌ها باید به این سوال پاسخ دهند که تا چه زمانی می‌توانند با گروهی که تا دندان مسلح است و روابط مشکوکی با غرب دارد و مجهز با افکار ایدئولوژیک خطرناک است، از در سازش و مصالحه دریابند؟ آیا گذاشتن همه تخم‌ها در یک سبد و پشتیبانی قاطع و همه‌جانبه از طالبان و بی‌اعتنایی به نیروهای مخالف این گروه، به مصلحت ایران است و در درازمدت به جایگاه ایران در افکار عمومی لطمه وارد نمی‌کند؟ آیا دولت ایران فکر می‌کند که گروه طالبان برای همیشه بر سر اقتدار باقی خواهد ماند؟

شکایت از نبود دوا و داکتر زن؛



وضعیت خدمات صحتی در بلخ اسفبار است

۸ صبح، بلخ

شماری از مریض‌داران در شهر مزار شریف از ارایه نشدن خدمات درست صحتی شکایت دارند. این مریض‌داران از کمبود داکتران متخصص، به‌ویژه داکتران زن، نبود ادویه و مسوولیت‌ناپذیری مسوولان شفاخانه حوزه‌ای ابوعلی سینای بلخی انتقاد می‌کنند. شماری از باشندگان ولسوالی‌ها می‌گویند که با رفتن داکتران زن از کلینیک‌ها، باید ساعت‌ها سفر کنند تا زمینه تداوی بیماران‌شان فراهم شود. منابع در ریاست صحت عامه ولایت بلخ نیز تایید می‌کنند که اداره صلیب سرخ کمک ادویه به این شفاخانه را متوقف کرده است. همچنان به گفته کارمندان موسسات صحتی، مردم به دلیل نبود داکتر و دوا، از خدمات صحتی رضایت ندارند. این در حالی است که آگاهان طب از فساد اداری و همچنان وضع محدودیت‌های اخیر طالبان بر داکتران زن، به‌عنوان دلایل اصلی بدتر شدن وضعیت ارایه خدمات صحتی یاد می‌کنند.

براساس آمارها، نزدیک به دو میلیون تن در شهر مزارشریف و ۱۴ ولسوالی ولایت بلخ زنده‌گی می‌کنند. در کنار ده‌ها چالش دیگر، عدم دسترسی به خدمات صحتی یکی از جدی‌ترین مشکلات باشندگان بلخ پس از روی کار آمدن طالبان شمرده می‌شود. هرچند ارایه خدمات صحتی در زمان جمهوریت نیز با مشکلاتی، از جمله موجودیت فساد مالی و اداری روبه‌رو بود، اما با آن هم تلاش می‌شد تا خدمات بهداشتی برای مردم در شهر و ولسوالی‌های ولایت بلخ صورت گیرد. با این حال، پس از روی کار آمدن طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، خدمات صحتی نیز در کنار سایر خدمات اجتماعی به پایین‌ترین سطح رسیده است، تا جایی که باشندگان ولایت بلخ از افزایش مرگ‌ومیر بیماران‌شان

ابراز نگرانی می‌کنند.

سهراب، یکی از مریض‌داران در شهر مزار شریف، از برخورد نامناسب پرستاران و عدم رسیدگی به مریضش در شفاخانه حوزه‌ای ابوعلی سینای بلخی شکایت دارد. وی می‌گوید: «وقتی با برخورد بد نرس‌ها و عدم رسیدگی داکتران برخوردیم، خواستیم به دفتر دو مسوول شفاخانه بروم تا مشکل خود را به گوش آنان برسانم؛ اما هیچ‌یک از مسوولان را در دفترهای‌شان نیافتیم، آن هم در وقت رسمی و قانونی. در حالی که مریض ما زیر سیرم از شدت درد به خود می‌پیچید، چند تن از داکتر صاحبان پای‌شان را بالای میز کاری گذاشته و سرگرم قصه بودند. گویا هیچ مشکلی وجود ندارد و همه وظایف‌شان را انجام داده‌اند.»

گل‌احمد، از باشندگان ولسوالی دولت‌آباد و یکی دیگر از مریض‌داران است که همسرش را به بخش نسایی - ولادی شفاخانه حوزه‌ای آورده است. او به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «ما مریض خود را از دولت‌آباد آوردیم. آن‌جا در شفاخانه‌اش خیر و خیرت است. دروازه‌اش باز است، دیگر چیزی نیست. ما گفتیم ببریم به مزار. این‌جا آمدیم. تا دو ساعت که خودم خبر گرفتم، مریض ما را داکتران ندیده بودند. پرسان می‌کنیم، می‌گویند منتظر باشید، داکتر بیاید. نمی‌دانم که از کجا می‌آید. مشکلات زیاد است مقصد.»

از سویی هم، منابع معتبر از داخل شفاخانه حوزه‌ای ابوعلی سینای بلخی به روزنامه ۸ صبح تایید می‌کنند که اداره صلیب سرخ که در گذشته در کنار معاش داکتران، صحت عامه بلخ را در بخش ادویه نیز اكمال می‌کرد، اکنون روند کمک ادویه به این اداره را متوقف کرده است. یک داکتر دیگر که از ذکر نامش خوداری می‌کند، می‌گوید که مشکلات جدی، از جمله نبود داکتران متخصص به‌ویژه داکتران زن در بخش نسایی

- ولادی، هجوم بیش از حد بیماران از ولسوالی‌ها به دلیل نبود خدمات صحتی و نبود ادویه در این شفاخانه وجود دارد که سبب شده تا خدمات صحتی به‌گونه درست ارایه نشود. به گفته وی، از یک سو ادامه تحصیل و فراگیری دوره تخصص برای زنان تعلیق شده است و از سوی دیگر بیشتر داکتران متخصص زن که در بخش نسایی - ولادی فعالیت داشتند، به دلیل وضع محدودیت‌های روزافزون در برابر زنان، وظیفه یا وطن را ترک کرده‌اند.

ولی محمد (نام مستعار) داکتر در یکی از ولسوالی‌های ولایت بلخ است. به گفته او، نزدیک به هشت ماه می‌شود که مسوولیت تمویل کلینیک‌ها و شفاخانه‌های ولسوالی‌ها از موسسه «WHO» به دفتر یونیسیف منتقل شده و در این مدت مشکل کمبود امکانات به‌صورت چشم‌گیری افزایش یافته است. او می‌گوید: «روزی شده است که مریضان نیاز به عملیات عاجل داشته و تا رسیدن مریض به شفاخانه مرکزی مزار شریف، در خطر مرگ قرار گرفته و مریض‌دار مجبور شده که هزینه تیل جنراتور شفاخانه، آکسیجن و ادویه‌ای که در عملیات لازم است را همه از جیب شخصی خود بپردازد. متأسفانه برای این‌که به مریض‌شان رسیده‌گی شود، حتا برای داکترانی که عملیات را انجام می‌دهند، غذا تهیه می‌کنند. این نهایت درمانده‌گی بخش صحت را نشان می‌دهد.»

شیرین‌بای، یکی از قریه‌داران از ولسوالی کشنده ولایت بلخ، نیز می‌گوید که بارها مردم قریه از عدم معاینه درست و ندادن دواهای کامل شکایت کرده‌اند. به گفته او، زمانی که این مشکل را با مسوولان مراکز صحتی مطرح می‌کند، آنان در جواب می‌گویند که هر چه در توان‌شان باشد و دوا در مرکز صحتی باشد، به مریض‌ها می‌دهند. با این حال، کمبود ادویه همچنان

دردسرساز است.

علی‌شیر، باشندگان ولسوالی چهارکنت ولایت بلخ است و کلینیک صحتی یک ساعت پیاده از قریه‌شان فاصله دارد. به گفته او، در گذشته یک داکتر زن در آن‌جا بود، اما حالا او رفته و مردم به دلیل نداشتن داکتر زن، به مشکلات زیادی گرفتار شده‌اند. وی می‌افزاید: «ما با پای پیاده چهار ساعت راه به مرکز ولسوالی پیش داکتر می‌آیم که مریض ما خوب شود، اما وقتی داکتر معاینه می‌کند، فقط با یکی دو پاکت تابلت ما را فریب می‌دهد و بس. ما هم به علت مشکلات اقتصادی مریض خود را به شهر برده نمی‌توانیم. مریض ما از بی‌دوایی و نبود امکانات از بین می‌رود.»

برخی از کارمندان موسسات نیز این مشکلات را تایید می‌کنند. نورالله، یکی از فارغان بخش نرسنگ از شهر مزار شریف است که در حال حاضر در یک موسسه کار می‌کند و بیشتر در ولسوالی‌های ولایت بلخ با مردم سروکار دارد. او نیز می‌گوید: «شفاخانه‌ها در ولسوالی‌ها فعالند؛ اما از نبود داکتر متخصص، داکتر زن و کمبود ادویه رنج می‌برند. ارایه خدمات بهداشتی‌شان قابل قبول نیست و مردم رضایت ندارند.»

این در حالی است که به گفته آگاهان بخش طب، در جریان دو سال اخیر، برخی موارد سبب ایجاد و گسترش این مشکلات شده است. امان سیرت از داکترانی است که در بخش امداد ادویه و بخش‌های صحتی دفاتر ملل متحد در شمال افغانستان کار کرده است. او که اکنون بازنشسته شده، فساد در بدنه اداره صحت و کارمندان افغان در انجوها و همچنان وضع محدودیت‌های روزافزون از سوی طالبان بر زنان را از عوامل اصلی چالش‌های موجود برمی‌شمارد.

گفتنی است که طالبان پس از برگشت به قدرت، بر فعالیت زنان، به‌ویژه داکتران و پرستاران زن محدودیت‌های شدیدی وضع کرده‌اند. وضع این محدودیت‌ها در شرایطی که سکتور صحت پیش از این نیز با چالش‌های کمبود کارمندان صحتی زن مواجه بود، سبب بدتر شدن وضعیت صحتی در ولایت‌ها شده است. دفاتر سازمان ملل متحد در افغانستان و همچنان سایر نهادهای کمک‌رسان بین‌المللی بیشتر از کمبود دوا در شفاخانه‌های افغانستان هشدار داده بودند.

راهی برای افزایش عواید؛

طالبان برای ثبت موترهای فرمان‌راسته تعرفه بلند وضع کرده‌اند

۸ صبح، غزنی

شماری از موترداران در ولایت غزنی از وضع تعرفه بلند مالیاتی برای ثبت موترهای «یک‌کلید» دست پاکستان از سوی طالبان شکایت دارند. آنان می‌گویند که در بدل ثبت هر موتر و برای اخذ پلیمت موقت، باید ۲۰ تا ۴۰ هزار افغانی هزینه کنند. این موترداران تصریح می‌کنند که در شرایط موجود توانایی پرداخت این مبلغ هنگفت را ندارند و طالبان بدون توجه به مشکلات مردم، تنها به بلند بردن سطح عوایدشان می‌اندیشند.

مسوولان حکومت پیشین در اواخر کارشان طرحی را برای ثبت موترهای دست پاکستان روی دست گرفته بودند که بر بنیاد آن، باید همه این موترها پس از ثبت شدن، استیکرهای موقت دریافت می‌کردند. با این حال، با سقوط نظام جمهوریت این کار نیمه‌تمام ماند. در ادامه اداره عمومی ترافیک طالبان در کابل نزدیک به دو ماه پیش اعلام کرد که همه دارنده‌گان موترهای فرمان‌راسته (دست پاکستان) در مرکز و ولایات مکلفند تا در مدت سه ماه، موترهای‌شان را ثبت این اداره کنند. به گفته این نهاد، در غیر این صورت، راننده‌گان حق گشت‌وگذار با موترهای‌شان را ندارند.

مدیریت ترافیک طالبان در غزنی نیز برای تسریع این روند، در کنار فعالیت در شهر غزنی، یک مرکز

ثبت موترهای فرمان‌راسته را در ولسوالی جاغوری این ولایت فعال کرده است. با این حال، مراجعه موترداران به این مراکز بسیار کم‌رنگ است. آنان می‌گویند که موترهای دست پاکستان دارند، از اداره ترافیک طالبان می‌خواهند که مالیات اسناد و پلیمت‌های موقت سه‌ساله موترها را کاهش دهند. شماری از راننده‌گانی که با استفاده از موترهای فرمان‌راسته در مسیرهای شهری فعالیت دارند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که آنان مصارف روزمره‌شان را با دشواری‌های بسیار پیدا می‌کنند و توانایی این را ندارند که ده‌ها هزار افغانی را در بدل ثبت موتر و تهیه مدارک پرداخت کنند. محمدباقر، باشندگان ولسوالی جغتوی ولایت غزنی است و در سطح شهر با موتر فرمان‌راسته در مسیر لینی داخل شهر غزنی تکسی‌رانی می‌کند. به گفته او، اقتصاد مردم ضعیف است و به دلیل فقر و بیکاری، حتا پول تهیه کاغذ موترها را نیز ندارند. او می‌گوید که تکمیل اسناد این نوع موترها ۲۵ تا ۳۰ هزار افغانی مصرف دارد.

جمعه‌خان، باشندگان ولسوالی جاغوری ولایت غزنی است که برای ثبت موتر فرمان‌راسته‌اش غرض طی مراحل اسناد به مرکز ثبت موترهای فرمان‌راسته این ولسوالی آمده است. او به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که خانه‌اش از مرکز ولسوالی چندین کیلومتر فاصله دارد و برای رفت‌وآمد به مرکز ولسوالی و تهیه احتیاجاتش و به دلیل قیمت ارزان مجبور شده

است یک عراده موتر فرمان‌راسته بخرد. با این حال، او حالا توانایی پرداخت این هزینه بلند را برای به دست آوردن اسناد سه‌ساله موتر ندارد. جمعه‌خان می‌افزاید: «من این موتر را دو سال پیش به یک لک (۱۰۰ هزار) افغانی خریدم. حال که این‌جا حساب کردم، ۲۵ هزار افغانی مصرف کار دارد که برای سه سال پلیمت موقت بگیرم. والله زیاد پیسه است.»

یک منبع در مدیریت ترافیک غزنی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که برنامه ثبت موترهای فرمان‌راسته از سوی طالبان کاپی طرح دوره جمهوریت است، با این تفاوت که طالبان تعرفه را چندبرابر بالا برده‌اند. به گفته منبع، در طرح حکومت پیشین، تنها نظر به نوعیت و سال تولید یک موتر، پول گرفته می‌شد، اما حالا طالبان در کنار تفکیک این مشخصه‌ها، پول تعرفه را نظر به سلندر هر موتر ضرب می‌زنند که با این حساب، قیمت از چهار تا شش برابر برای موترداران بالا می‌رود.

بر بنیاد یافته‌های روزنامه ۸ صبح، در دو ماه گذشته نزدیک به پنج هزار عراده موتر دست پاکستان در مدیریت ترافیک غزنی مراحل نخست تهیه اسناد را سپری کرده و آماده گرفتن پلیمت موقت شده‌اند. با این حال، منابع از این مدیریت تایید می‌کنند که میزان موترهای دست پاکستان که در این ولایت تردد دارند، به‌مراتب بلندتر از این آمار است. به گفته منابع، با آن‌که کمتر از یک ماه به ختم مهلت تعیین

شده زمان باقی است، موترداران تا کنون به این مدیریت مراجعه نکرده‌اند.

قابل ذکر است که بر بنیاد طرح ریاست عمومی ترافیک طالبان، موترهای تیزرفتاری که سال تولید آن‌ها از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی است، نظر به فی سلندر مکلفند که پنج هزار و ۴۰۰ افغانی و موترهای مدل سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ در بدل فی سلندر باید هفت هزار و ۴۰۰ افغانی پرداخت کنند. قابل ذکر است که همه انواع این عراده‌ها از چهار تا شش سلندر هستند و برای طی مراحل اسناد موترهای باربری که اکثر آن سلندر بیشتر دارند، در بدل هر سلندر تا هشت هزار و ۹۰۰ افغانی باید پرداخت شود. در کنار آن، این موترداران باید پول مصرف کتابچه جواز سیر، قیمت نمبرپلیمت و ثبت بایومتریک را به‌صورت جداگانه پرداخت کنند.

گفتنی است که در سه دهه گذشته ده‌ها هزار موتر دست دوم فرمان‌راسته از طریق کشورهای عربی به افغانستان وارد شده است. بیشتر این موترها در ولایات هم‌مرز با پاکستان رفت‌وآمد دارند و در این اواخر در اکثر ولایت‌ها گشت‌وگذار می‌کنند.

این در حالی است که پیش از این نیز باشندگان اکثر ولایت‌ها از بلند بودن قیمت تحویلی تعرفه موترهای فرمان‌راسته شکایت کرده‌اند، اما به گفته شهروندان، طالبان به هدف بلند بردن عواید خود، حاضر نشده‌اند تا به صدای مردم گوش دهند.



مقاومت گران میلیونی اما خسته

محمدعلی نظری

دختر خانمی که به رغم تهدیدها و فرمان‌های طالبان هنوز در افغانستان پتلون می‌پوشد، علیه سلطه طالبان و سیاست‌های زن‌ستیزانه این گروه مقاومت و اعتراض می‌کند. زنی که هنوز به زیبایی‌اش اهمیت می‌دهد، لباس زیبا می‌پوشد و خود را می‌آراید، با دستور هبت‌الله و وزارت امر به معروف او مخالفت می‌کند. مردی که ریش خود را می‌تراشد و پتلون می‌پوشد، به ریش طالب می‌خندد و علیه طالبانی شدن جامعه مقاومت می‌کند. نپذیرفتن دستور طالبان - تا آن‌جا که پیامد فوری برای کسی نداشته باشد - ابراز ناراضی‌تبی و نوعی از مقاومت است. مقاومت علیه طالبان، فقط در دره‌های پنجشیر و اندراب و تخار وجود ندارد؛ این مقاومت در خانه‌خانه مردم افغانستان جاری است. شاید برخی از همسران و مادران و دیگر اعضای خانواده‌های طالبان نیز تا آن‌جا که فرصت و مجال دارند، علیه دستورهای زن‌ستیزانه این گروه در درون چهاردیواری‌های خانه‌ها مقاومت کنند. اگر زنان این خانواده‌ها کار دیگری نتوانند، خلاف دستور طالبان سیاه نمی‌پوشند، بلکه رنگ‌های شادتری را برای پوشش خود انتخاب خواهند کرد. هرچند رژیم طالبان با انتخاب رنگ لباس خلاف میل این گروه ساقط یا اصلاح نمی‌شود، اما همین اقدام‌ها هم می‌تواند اعتراض و مقاومت در برابر تفکر طالبانی را نشان دهد.

حوزه و جغرافیای مقاومت، سراسر خاک افغانستان است. گذشته از آن‌هایی که در بیرون از کشور علیه تفکر و سلطه طالبانی مقاومت و مبارزه می‌کنند، انواع مبارزات آرام و پراکنده در سراسر کشور وجود دارد. همین حالا بسیاری از زنان خلاف دستور طالبان، بدون «محرم شرعی» از خانه بیرون می‌شوند، در جاده‌ها و جاهای مختلف کار می‌کنند و نان خانواده‌های خود را تأمین می‌نمایند. مردانی که هنوز در شهرها و حنا روستاهای مختلف کشور پتلون می‌پوشند، ریش می‌تراشند و موهای خود را شانه می‌زنند یا زینت می‌دهند، در حقیقت خلاف دستورهای دستگاه امر به معروف طالبان مقاومت می‌کنند. زنانی که آموزشگاه‌ها مخفیانه را در خانه‌های خود راه انداخته‌اند تا دختران محروم از آموزش آن‌جا محرومیت خود را جبران کنند، در برابر طالبان مبارزه می‌کنند. دخترانی که خلاف دستور طالبان کتاب می‌خوانند و به آموزش‌های مخفی یا آنلاین رو آورده‌اند، در برابر طالبان مقاومت می‌کنند. این‌ها مقاومت‌های غیررسمی اما جدی علیه تفکر طالبان و سلطه این گروه است. در شکل رسمی آن هم مقاومت‌های مختلفی جریان دارد. برخی با گفتن و نوشتن با طالبانی شدن وضعیت مخالفت و مبارزه می‌کنند، برخی در جاده‌ها یا اتاق‌های سر بسته تظاهرات می‌کنند و شعار می‌دهند، تعدادی با اسلحه و گروهی هم با لابی‌ها و دیپلماسی‌های هرچند

یکی از زیباترین مقاومت‌ها، شاید همین رقص با چادری باشد که زنان معترض دو روز قبل انجام دادند. ویدیوی این رقصیدن اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده نشر و باز نشر شد که نشان از حمایت گسترده مردمی دارد. اعتراض پیوسته و مداوم این زنان، تلاشی برای زنده نگه داشتن امید به فردای بهتر است.

محدود. بنابراین، در سراسر افغانستان و در بیرون از کشور، مقاومت علیه طالبان به اشکال مختلف وجود دارد.

یکی از زیباترین مقاومت‌ها، شاید همین رقص با چادری باشد که زنان معترض دو روز قبل انجام دادند. ویدیوی این رقصیدن اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده نشر و باز نشر شد که نشان از حمایت گسترده مردمی دارد. اعتراض پیوسته و مداوم این زنان، تلاشی برای زنده نگه داشتن امید به فردای بهتر است. ممکن این اعتراض‌ها نتواند طالبان را وادار به رعایت حقوق بشری و انسانی سازد، شاید نتواند از مظالم این گروه بکاهد، ممکن نتواند دروازه‌های مراکز آموزشی را به روی زنان بگشاید و آزادی‌های اجتماعی را برگرداند، اما می‌تواند تلاشی برای جلوگیری از مرگ امید به بهبود، باشد. این اعتراض‌ها به همان میزان که پراکنده‌اند، تنوع و گسترده‌گی نیز دارند. این معترضان تصویری از افغانستان زیر سلطه طالبان را به نمایندگی از مردمی که امکان اعتراض ندارند، ارایه می‌کنند. گسترده‌گی و تنوع، باعث شده که طالبان در طی دو سال موفق به مهار این نوع مقاومت نشوند. جامعه تقریباً به صورت پیوسته علیه طالبان مبارزه می‌کند. هرچند کوچک‌ترین منفذی برای مخالفت با دستور طالبان وجود داشته باشد، مردم دست به مخالفت می‌زنند. همین که با جنگ‌جوی طالب در جامعه هم‌دلی نمی‌شود، همین که مردم از نیروهای این گروه رو می‌گردانند و همین که تا مجبور نشوند، از مراد به نیروهای این گروه احتراز می‌کنند، همه مقاومت است. این مقاومت‌های پراکنده و متنوع،

مهار شدنی نیست. هیچ قدرتی نمی‌تواند کسی را وادار به دوست داشتن طالب کند. اکنون معترضان و مقاومت‌گران در افغانستان، نفوس میلیونی دارند، اما سخت خسته‌اند. خسته‌گی، آن‌ها را از مقاومت‌های جهشی باز می‌دارد، اما نتوانسته ریشه‌های مقاومت را در وجود آن‌ها بخشکاند. مردم افغانستان طالبان را همراهی نمی‌کنند. هرچند در پاره‌ای از زمان به دلایل بسیاری در محضر عام سکوت پیشه می‌کنند، اما دست از مخالفت با طالبان و طالبانی شدن وضعیت برنمی‌دارند. برای همین، وقتی از ایست بازرسی طالبان می‌گذرند، موسیقی می‌شنوند، دور از چشم طالبان به تفریح می‌روند، خلاف دستور این گروه صورت خود را می‌آرایند و خلاف میل این گروه لباس می‌پوشند.

در سوی دیگر، طالبان پیوسته بر زنان و مردان افغانستان محدودیت وضع می‌کنند. وضع این‌همه محدودیت، نمی‌تواند مردم را به کاری وادار کند که نمی‌خواهند. اکنون مردم در انتظار عامه به دلیل خشونت‌هایی که طالبان مرتکب آن می‌شوند، مخالفت عریان با دستورهای طالبان ندارند، اما در آن سوی سایه میل تفنگ طالب، زنی می‌رقصد، دختری نقاشی می‌کند و کتاب می‌خواند، خانواده‌ای تفریح می‌رود و موسیقی می‌شنود، مردی ریش می‌تراشد و دختر و پسر جوانی به دور از چشم طالب هم‌دیگر را دوست می‌دارند. معنای این‌همه، این است که طالبان موفق به کشتن جامعه نشده‌اند. هرچند بسیار کوشیده‌اند و پس از این هم بیشتر خواهند کوشید، اما جامعه زنده مانده است و زنده خواهد ماند. به رغم آن‌که طالبان بر سرنوشت مردم مسلط‌اند، اما مردم با دیدن جنگ‌جویان و رهبران این گروه و زشت کرداری‌های‌شان، زیبایی هنر را فراموش نمی‌کنند و علیه فراموشی خوبی‌ها و زیبایی‌ها مبارزه می‌کنند. این مبارزات آرام در زیر پوست جامعه زنده می‌ماند تا روزی که پس از رفع خسته‌گی مردم به صورت عریان علیه طالبان به راه افتد. آن وقت، ارتش ملیس با واسکت انتحاری و مجهز با تانک و سلاح آمریکایی و بشکه‌های زرد، جلو اراده جمعی را گرفته نخواهد توانست. آن روز، خورشید دوباره طلوع خواهد کرد و مردم دمی به آسوده‌گی خواهند زیست.

معاهده هلمند؛ ایران بیشتر از حفش آب می‌گیرد

محمد هاشم رانق

در این اواخر دوباره مساله آب دریای هلمند و حقابه ایران از این دریا سرزبان‌ها افتاده است. در شبکه‌های اجتماعی طوری وانمود می‌شود که رویداد تازه‌ای در روابط دو کشور همسایه و هم‌کیش در حال رخ دادن است. اما این مساله جدید نیست و از سالیان دراز به این‌سو جریان داشته است و دولت‌های مختلف در افغانستان و ایران هرازگاهی در این خصوص مذاکراتی انجام داده‌اند.

اگر اشتباه نشود، در طول تاریخ معاصر هشت بار در مذاکراتی در مورد آب‌های سرحدی، موضوع حقابه ایران به بحث گرفته شد، اما نتیجه مثبتی نداشت. در نهایت، معاهده‌ای با مزایای عالی و همه‌جانبه امضا شد که اگر به صورت صحیح و عادلانه تطبیق شود، می‌تواند از مناقشات جلوگیری کند.

این معاهده به تاریخ ۲۲ حوت سال ۱۳۵۱ خورشیدی مطابق به ۱۲ مارچ سال ۱۹۷۳ میلادی میان موسا شفیق، نخست‌وزیر وقت افغانستان و امیرعباس هویدا، همتای ایرانی‌اش امضا شد. براساس این معاهده، حقابه ایران از رود هیرمند/هلمند ۲۶ مترمکعب در ثانیه در سال نرمال و مافوق نرمال تعیین شد. قرار ماده اول، جز ج این معاهده، سال نرمال عبارت از سالی است که مجموع جریان آب از اول ماه اکتوبر تا ختم ماه سپتامبر سال مابعد در دستگاه اندازه‌گیری آب در منطقه دهرآوود ولایت ارزگان روی

دریای هلمند بالاتر از موقعیت بند کجکی، مقدار جریان آب ۵.۶۶۱ میلیون مترمکعب اندازه‌گیری و محاسبه شده باشد.

در ماده پنجم معاهده گفته شده است که افغانستان اقدامی نمی‌کند تا ایران را از حقابه‌ای که در این معاهده تثبیت و محدود شده است، بعضاً و یا کلاً محروم کند و افغانستان با حفظ تمام حقوقی که بر باقی آب دریای هیرمند دارد، هر طوری که خواسته باشد آب این دریا را به مصرف می‌رساند و ایران هیچ‌گونه ادعایی در این زمینه نمی‌تواند داشته باشد. در سال‌های اول، قرارداد طبق دل‌خواه دو طرف به آرامی عملی می‌شد؛ اما به مرور زمان نظر به عدم تطبیق جزئیات مکلفیت‌ها براساس موافقت‌نامه مندرجه، از معاهده هلمند تخطی صورت گرفت.

متأسفانه از سال ۱۳۴۹ به این طرف، در افغانستان وقایع ناهنجار سیاسی و تحولات اجتماعی پی‌درپی رخ داد که هرکدام آن سیستم دولت‌داری و حکومت‌های متفاوت از یکدیگر را روی کار آورد.

در این مدت، هیچ فعالیتی برای توسعه زیربنای منابع آبی در افغانستان صورت نگرفت. بند کجکی، سرپند کانال نهر بغرا، نهر شمالان، نهر درویشان و نهر سراج به‌شمول بند ارغنداب و کانال ظاهرشاهی قندهار در این مدت صدمه دیده و اکثراً از کنترل آب ناتوان شده بودند. آب دریای هیرمند/هلمند به گونه کامل به‌سوی ایران جریان داشت. موضوع دیگر این است که معاهده سال ۱۹۷۳ بین ایران و افغانستان

تنها در مورد آب دریای هیرمند است نه دیگر دریاها. افزون بر دریای هلمند، دریای شیندند نیز که جریان سالانه آب آن حدود ۲۱۰ میلیون مترمکعب تخمین زده می‌شود، از قسمت ولسوالی اناردره ولایت فراه به هامون صابری می‌ریزد. دریای فراهود نیز که حجم اوسط جریان آب آن حدود ۱۲۵۰ میلیون مترمکعب تخمین زده می‌شود، در ولسوالی بالابلوک فراه با رود زرمردان یکجا شده و به هامون صابری منتهی می‌شود.

رود خاسپاس از کوه‌های سیاه‌بند ولسوالی گلستان شروع شده و در جنوب‌غربی سلطان بگوا با چند رود موسمی یکجا شده و به هامون پوزک می‌ریزد. جریان اوسط سالانه آب آن را ۴۰ میلیون مترمکعب تخمین زده‌اند. دریای خاشرود که حجم اوسط جریان سالانه آن ۱۷۰ میلیون مترمکعب تخمین شده است، از کوه سنگ در ولسوالی پرچمن ولایت فراه شروع شده و سرانجام به هامون پوزک می‌ریزد.

مجموع آبی که سالانه این دریاچه‌ها به هامون‌ها می‌ریزد ۱۶۷۰ میلیون مترمکعب تخمین شده است که تمام آن توسط دولت ایران در نیمه‌چاه‌ها ذخیره می‌شود که منجر به خشکیدن هامون‌ها شده است. متأسفانه ایرانی‌ها به گونه متواتر از معاهده دریای هلمند تخطی کرده‌اند که به شرح زیر است:

- احداث ده‌ها ساختمان آب‌گیر در رودخانه هلمند در مرز آبی مشترک.
- نصب بیش از صد پایه واترپمپ در محدوده مرز آبی



مشترک.

• احداث چهار چاه نیمه که هر کدام آن دارای ظرفیت‌های قابل ملاحظه بوده و توسط کانال جرپکه آب رودخانه هلمند و سایر رودخانه‌ها به طرف نیمه‌چاه‌ها (ذخایر آبی) در خاک ایران جریان داده می‌شود.

• احداث بند کهک به منظور مرفوع ساختن نیازمندی‌ها به آب و بعد پایین آوردن دروازه‌های بند و منحرف کردن سیلاب‌ها به طرف ولایت نیمروز که خسارات فراوانی را به خاک افغانستان وارد می‌کند.

• عریض ساختن رود سیستان نظر به عرض سابقه آن و جریان دادن آب شاخه سیستان رود هلمند به طرف زابل آن کشور.

• تحکیمات یک‌طرفه ساحل چپ رودخانه هلمند به طرف ایران که این امر سبب تغییر مسیر دریا به طرف افغانستان و تخریبات ساحل راست دریای مذکور شده است.

معاهده هلمند...

همه این‌ها ثابت می‌کند که دولت ایران به مراتب بیشتر از حقایق خویشت در طول سال‌های متمادی از رودخانه هلمند آب گرفته است؛ به گونه‌ای که با استفاده از این مقدار آب، اراضی بیشتری در منطقه سیستان توسعه داده شده است. به گونه مثال، تقریباً حدود ۱۲ هزار هکتار زمین به فارم‌های زراعتی تبدیل شده است. اما ایرانی‌ها همیشه ادعا دارند که آب کمی به آنان می‌رسد. باید خاطر نشان کرد که افغانستان این مکلفیت را ندارد تا به فارم‌های تحقیقاتی تازه انکشاف یافته در زاهدان ایران آب تهیه کند.

از سوی دیگر، اگر نظری به وضع رقتبار هامون‌ها بیندازیم، هامون هلمند که در سرحد میان افغانستان و ایران واقع است، از این تالاب‌های کم‌عمق تشکیل شده است: هامون صابری، هامون پوزک و هامون شاپور. در زمان آب‌خیزی، این هامون‌ها به هم متصل شده و به صورت یک پارچه در می‌آیند و وسیع‌ترین دریاچه آب شیرین در افغانستان و ایران را زیر نام تالاب‌ها می‌سازند. گود زر که کاملاً در خاک افغانستان موقعیت دارد، نیز بخشی از همین آب‌هاست که در زمان آب‌خیزی از طریق رود شیله وارد گود زرین می‌شود. وسعت این هامون‌ها در زمان آب‌خیزی تقریباً به ۳۲۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد.

تالاب‌های هلمند چراگاه و مهم‌ترین منبع مواد غذایی برای حیوانات اهلی منطقه بود و همچنان جهت ماهی‌گیری از آن‌ها استفاده به عمل می‌آمد. مهم‌تر از همه این تالاب‌ها کاشانه و مهد پرورش انواع و اقسام طیور و پرندگان مهاجر در منطقه بود و حدود ۱۴۰ نوع پرند سالانه به آن جا می‌آمدند. اما بعد از سال ۱۹۹۸ به این سو به علت خشک‌سالی متواتر و همچنان پمپ کردن آب‌های سطحی و زیرزمینی هامون‌ها از طرف دولت ایران به ذخایر مصنوعی چاه‌های نیمه که ظرفیت آن‌ها در ابتدا حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب بود و فعلاً به بیش از ۱۵۰ میلیون مترمکعب رسیده است، هامون‌ها خشک شدند که در نتیجه آن، چراگاه‌های طبیعی که منبع مهم اقتصادی برای مردم محل بود، از بین رفتند.

این هامون‌ها از نقطه نظر ایکولوژی اهمیت خاص دارند. تخمین زده می‌شود که در سال سیرابی حدود ۳۴۶۸۰ تن ماهی سالانه از این هامون‌ها به دست می‌آید. همچنان تقریباً ۱۸۲ نوع مختلف حیوانات و تقریباً ۳۷ نوع خزنده با اقسام مختلف گیاه‌ها در این تالاب‌ها وجود دارند. گرچه در سال ۲۰۰۳ و سال‌های بعد بارنده‌گی زیاد بود، اما بازم هامون‌ها احیا نشدند؛ زیرا آب از سوی ایرانی‌ها به ذخایر چاه‌های نیمه انتقال داده می‌شد.

تا جایی که راپورها و اسناد رسمی دست داشته شعبات مسوول دولت پیشین افغانستان نشان می‌دهد، دولت‌های افغانستان در هر دوره به تطبیق معاهده تقسیم آب هلمند سخت‌پایند و فادار بوده‌اند. بین سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۶۰ که مرحوم داکتر ناصر عمر رییس عمومی وادی هلمند و ارغنداب بود، این جانب در راس یک شعبه که مسوولیت کنترل بند کجکی و بند ارغنداب (بزرگترین معاون دریای هلمند) را داشت، خوب به یاد دارم که اکثر مسوولان دولت ایران حق و ناحق به وزارت خارجه افغانستان مراجعه کرده و از کمی آب شکایت می‌کردند که در نهایت به این جانب راجع می‌شد. در این مورد گفته می‌توانم که درصدی زیادی از ادعاهای مقام‌های ایرانی به‌جا نبود.

در پایان باید عرض شود که اگر تقسیم آب بین دو کشور هم‌مرز ایران و افغانستان براساس معاهده هلمند انجام شود، نیازی به زورگویی و ایجاد تنش میان دو کشور نیست.

هم‌اکنون اقدام کنید

منبع: دیپارتمنت ارتباطات جهانی ملل متحد

برگردان: رحمان کریمی

ACT NOW

برای حفظ شرایط اقلیمی قابل زیست، انتشار گازهای گل‌خانه‌ای باید تا سال ۲۰۳۰ به نصف و تا سال ۲۰۵۰ به صفر خالص کاهش پیدا کند. برای رسیدن به چنین شرایطی، دولت‌ها و شرکت‌ها باید اقدامات جسورانه، سریع و گسترده‌ای را انجام دهند. اما گذار به دنیایی با میزان کمی از کاربن، مستلزم مشارکت شهروندان نیز است، به‌ویژه در اقتصادهای پیش‌رفته جهان. هم‌اکنون اقدام کنید، کمپینی است که از سوی سازمان ملل متحد برای اقدام فردی در رابطه به تغییر اقلیم و مصرف بهینه منابع به راه انداخته شده است. هر یک از ما می‌تواند در کاهش گرمایش جهانی و نگهداری از سیاره‌مان یاری برساند. با انتخاب گزینه‌هایی که پیامدهای مضر کمتری بر محیط زیست دارد، ما می‌توانیم بخشی از راه‌حل بوده و بر تغییر تاثیرگذار باشیم.

حقایق و آمارها

ما در طول زنده‌گی خود صدها هزار تصمیم می‌گیریم. تصمیم‌ها و سبک زنده‌گی ما تأثیر ژرفی بر سیاره ما دارد. در واقع، سبک زنده‌گی ما عامل تقریباً دو سوم از انتشارات گازهای گل‌خانه‌ای جهانی است. ثروت‌مندترین افراد بزرگ‌ترین مسوولیت را در این رابطه دارند: مجموع انتشارات گازهای گل‌خانه‌ای یک درصد ثروت‌مندترین افراد جمعیت جهان بیشتر از مجموع انتشارات گازهای گل‌خانه‌ای پنجاه درصد فقیرترین افراد جمعیت جهان است.

دولت‌ها و شرکت‌ها - با ایجاد سیاست‌ها، زیرساخت‌ها و مشوق‌های مناسب - نقش مهمی در حمایت از تغییرات ضروری در سبک زنده‌گی مردم دارند. به‌طور مثال، در صورتی که زمینه استفاده از روش‌های پاک حمل‌ونقل و خوردن غذاهای گیاهی برای مردم آسان‌تر شود، این امر می‌تواند به تغییر الگوهای مصرف کمک کند، به‌ویژه در میان ثروت‌مندترین افراد جهان، و انتشارات گازهای گل‌خانه‌ای را تا سال ۲۰۵۰ چهل تا هفتاد درصد کاهش دهد. همچنین، روش زنده‌گی که در آن از منابع استفاده بهینه صورت می‌گیرد، می‌تواند باعث بهبود سلامتی و رفاه همه‌گانی شود.

در سبک‌های زنده‌گی کنونی از منابع استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد

تقاضا برای منابع طبیعی - برای خوراک، پوشاک، آب، ایجاد مسکن، زیرساخت‌ها و سایر عرصه‌های زنده‌گی - به بالاترین حد خود رسیده است و همچنان در حال افزایش است. استخراج منابع از سال ۱۹۷۰ به این سو سه برابر افزایش یافته است، به شمول ۴۵ درصد افزایش در استفاده از سوخت فسیلی. استخراج و پروسس مواد معدنی، سوخت و مواد غذایی عامل نیمی از مجموع

می‌تواند انتشار گازهای گل‌خانه‌ای را کاهش دهد و به سلامتی و تناسب اندام‌تان نیز مفید باشد. برای فاصله‌های دور می‌توانید از ملی‌بس یا قطار استفاده کنید و در صورت ممکن از روش هم‌سفری کار بگیرید. زنده‌گی بدون موتور اثر کاربنی شما را در مقایسه با سبک زنده‌گی با موتور تا ۲ تن CO₂ در سال کاهش می‌دهد.

سبزیجات بیشتری بخورید

مصرف بیشتر سبزیجات، میوه‌جات، حبوبات کامل، میوه خشک و دانه‌ها و استفاده کمتر از گوشت و لبنیات، می‌تواند تاثیر محیط زیستی شما را به میزان چشم‌گیری کاهش دهد. تولید غذاهای گیاهی به‌طور کلی منجر به انتشار گازهای گل‌خانه‌ای کمتری می‌شود و به انرژی، زمین و آب کمتری نیاز دارد. تغییر رژیم غذایی از مختلط به گیاه‌خواری، اثر کاربنی شما را تا ۵۰۰ کیلوگرام CO₂ در سال کاهش می‌دهد و در رژیم غذایی وگان این رقم تا ۹۰۰ کیلوگرام CO₂ می‌رسد.

به روش سفر خود فکر کنید

هواپیماها میزان زیادی سوخت فسیلی می‌سوزانند که منجر به تولید مقدار چشم‌گیری انتشار گازهای گل‌خانه‌ای می‌شود. به همین دلیل، سفر هوایی کمتر، یکی از سریع‌ترین راه‌های کاهش تاثیر محیط زیستی شما است. در صورت ممکن، به‌طور مجازی دیدار کنید، از قطار استفاده کنید، یا در کل از سفر راه دور منصرف شوید. انجام یک سفر هوایی راه دور کمتر، اثر کاربنی شما را حداکثر تا ۲ تن CO₂ کاهش می‌دهد.

غذای کمتری را دور بیندازید

وقتی شما غذایی را دور می‌اندازید، با غذا منابع و انرژی‌ای را که برای رشد، تولید، بسته‌بندی و انتقال آن به مصرف رسیده بود، نیز هدر می‌دهید. زمانی که غذا در محل دفن زباله می‌پوسد، باعث تولید میتان، نوعی گاز گل‌خانه‌ای قوی، می‌شود. کاهش هدر دادن غذا، میزان اثر کاربنی شما را تا ۳۰۰ کیلوگرام CO₂ در سال کاهش می‌دهد.

کاهش، به کارگیری دوباره، ترمیم و باز یافت

وسایل برقی، لباس و چیزهای دیگری که خریداری می‌کنیم، در هر مرحله تولید - از استخراج مواد خام گرفته تا تولید و انتقال آن به بازار - باعث انتشارات کاربنی می‌شوند. برای نگاه‌داری از محیط زیست‌مان چیزهای کمتری بخرید، وسایل دست دوم خریداری کنید و چیزهایی را که می‌توانید ترمیم و باز یافت کنید. هر کیلوگرام پارچه‌ای که تولید می‌شود، حدود ۱۷ کیلوگرام CO₂ تولید می‌کند. خریداری لباس نو کمتر - و کالاهای مصرفی دیگر - اثر کاربنی شما را کمتر می‌کند و تولید زباله را نیز کاهش می‌دهد.

منبع انرژی خانه خود را تغییر دهید

از شرکت خدمات انرژی خود بپرسید که آیا انرژی خانه شما از نفت، زغال سنگ یا گاز تامین می‌شود. ببینید که آیا امکان دارد منبع انرژی خانه خود را به منابع تجدیدپذیری همچون منابع بادی یا آفتابی تغییر دهید. یا در روی سقف خانه خود صفحه‌های آفتابی نصب کنید تا انرژی خانه تامین شود. تغییر منبع انرژی خانه‌تان از منابع نفت، گاز یا زغال سنگ به منابع تجدیدپذیری مانند باد یا آفتاب، اثر کاربنی شما را تا ۱٫۵ تن CO₂ در سال کاهش می‌دهد.

ادامه در صفحه ۸

انتشارات گازهای گل‌خانه‌ای جهانی و بیش از ۹۰ درصد از نابودی تنوع زیستی و بحران آب است. ما برای حفظ روش زنده‌گی کنونی‌مان برابر ۱٫۶ زمین استفاده می‌کنیم و ایکوسیستم‌ها نمی‌توانند با تقاضاهای ما سازگاری کنند. در کشورهای پردرآمد میزان اثر مواد، مقدار مواد اولیه مورد نیاز برای رفع نیازهای مان، در هر فرد ۱۰ برابر بیشتر از کشورهای کم‌درآمد است. گروه ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان (G۲۰) ۷۸ درصد از انتشارات گازهای گل‌خانه‌ای جهان را تولید می‌کنند.

با این ۱۰ اقدام شروع کنید!

همه می‌توانند به کاهش تغییر اقلیم کمک کنند. از روش سفرمان گرفته تا برقی که استفاده می‌کنیم، غذایی که می‌خوریم و چیزهایی که می‌خریم، ما می‌توانیم تغییری را ایجاد کنیم. میزان انتشار گازهای گل‌خانه‌ای در هر فرد در بین کشورها به‌طور گسترده‌ای متفاوت است. انتشار گازهای گل‌خانه‌ای در ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۲۰ (آخرین اطلاعات موجود) ۱۴٫۶ تن CO₂ در هر فرد بوده است. این مقدار بیش از دو برابر میانگین جهانی ۶٫۳ تن و شش برابر بیشتر از ۲٫۴ تن در هر فرد در هند است. برای حفظ شرایط اقلیمی قابل زیست، میانگین انتشار گازهای گل‌خانه‌ای در هر فرد در سال، باید تا سال ۲۰۳۰ حدود ۲ تا ۲٫۵ تن CO₂ کاهش پیدا کند. برای یاری‌رسانی به مقابله با بحران اقلیمی، می‌توانید با این ۱۰ اقدام آغاز کنید.

صرفه‌جویی انرژی در خانه

مقدار زیادی از برق و گرمایی که استفاده می‌کنیم، از منابعی مثل نفت، زغال سنگ و گاز تامین می‌شود. ما می‌توانیم با کاهش مصرف انرژی برای تولید گرما و سرما، استفاده از گروه‌های ال‌ای‌دی و وسایل برقی کم‌مصرف، شستن لباس‌های مان با آب سرد و آویزان کردن چیزها برای خشک کردن به جای استفاده از خشک‌کننده، میزان انرژی مصرفی‌مان را کاهش دهیم. بالا بردن میزان کارایی انرژی خانه‌تان - با عایق‌بندی بهتر به‌طور مثال - یا تبدیل اجاق گازی یا نفتی‌تان با یک پمپ حرارتی برقی، می‌تواند میزان اثر کاربنی‌تان (میزان انتشار گازهای گل‌خانه‌ای که در اثر فعالیت‌های یک فرد انتشار می‌یابد) را تا ۹۰۰ کیلوگرام CO₂ در سال کاهش دهد.

پیاده‌روی، استفاده از بایسکل یا وسایل نقلیه عمومی

جاده‌های جهان پر از وسایل نقلیه‌ای هستند که بیشترشان با دیزل و پترول کار می‌کنند. پیاده‌روی یا استفاده از بایسکل به جای موتور،

تیم ملی کریکت افغانستان در دومین بازی بین المللی یک روزه ۵۰ آوره، با تفاوت ۱۳۲ دوش مغلوب سریلانکا شد. این دیدار روز یکشنبه، ۱۴ جوزا، در ورزشگاه بین المللی کریکت ماهیندا راجاپاکسا برگزار شده بود. در این دیدار نخست تیم ملی کریکت سریلانکا توپ زنی را آغاز کرد و در ۵۰ آور، ۳۲۳ دوش را برای افغانستان هدف تعیین کرد. تیم کریکت افغانستان نتوانست هدف تعیین شده را تکمیل کند و بازنده میدان شد. دیدار نخست این دو تیم با تفاوت شش ویکت به نفع افغانستان پایان یافته بود. قرار است دو تیم در سومین دیدارشان روز چهارشنبه، ۱۷ جوزا، به مصاف هم بروند.

هم اکنون...

از وسایل نقلیه برقی استفاده کنید

اگر می‌خواهید موتور بخیرید، خریداری موتورهای برقی با مدل‌های بیشتر و ارزان‌تر موجود در بازار را در نظر داشته باشید. در بسیاری از کشورها موتورهای برقی در کاهش آلودگی هوا کمک می‌کند و به‌طور چشم‌گیری گازهای گل‌خانه‌ای کمتری نسبت به وسایل نقلیه گازی یا دیزلی تولید می‌کند. اما بسیاری از موتورهای برقی هنوز از برقی استفاده می‌کنند که از سوخت فسیلی تولید می‌شود و باتری‌ها و ماشین‌های‌شان نیازمند مواد کمیاب هستند که اغلب با هزینه‌های محیط زیستی و اجتماعی بالایی فراهم می‌شود. تبدیل موتور پترولی یا دیزلی به وسیله نقلیه برقی، اثر کاربنی شما را تا ۲ تن CO₂ در سال کاهش می‌دهد. یک وسیله نقلیه ترکیبی می‌تواند تا ۷۰۰ کیلوگرام CO₂ در سال برای شما صرفه‌جویی کند.

پول خود را به بهترین وجه مصرف کنید

هر آن چیزی که برای آن پول هزینه می‌کنیم، بر سیاره‌مان تأثیرگذار است. شما قدرت آن را دارید که خودتان انتخاب کنید از چه کالاها و خدماتی حمایت کنید. برای این که تأثیر محیط زیستی خود را کاهش دهید، کالاهای شرکت‌هایی را انتخاب کنید که از منابع به‌گونه مسوولانه استفاده می‌کنند و متعهد به کاهش انتشارات گازهای گل‌خانه‌ای و تولید زباله خود هستند. اگر پولی دارید که برای شما سرمایه‌گذاری می‌شود، مثلاً از طریق صندوق بازنشستگی، ممکن است پول شما در حمایت از سوخت فسیلی یا قطع جنگل‌ها به مصرف برسد. اطمینان از سرمایه‌گذاری ذخایر پولی‌تان در کسب‌وکارهای حامی محیط زیست، اثر کاربنی شما را به‌گونه گسترده‌ای کاهش می‌دهد.

صدای خود را بلند کنید

حرف بزنید و از دیگران بخواهید تا در اقدام شرکت کنند. صحبت کردن یکی از سریع‌ترین و تأثیرگذارترین روش‌های ایجاد تغییر است. با همسایه‌ها، همکاران، دوستان و خانواده خود صحبت کنید. بگذارید صاحبان شرکت‌ها بدانند که شما از تغییرات جسورانه و جدی حمایت می‌کنید. از رهبران محلی و جهانی بخواهید تا هم‌اکنون اقدام کنند. اقدام برای جلوگیری از تغییر اقلیم، مسوولیت همه ما است. تغییر اقلیم بر همه ما تأثیر می‌گذارد. هیچ‌کس نمی‌تواند به تنهایی کاری بکند؛ این کاری است که همه باهم می‌توانیم انجامش دهیم. نظریات در این مورد را می‌توانید در این‌جا جست‌وجو کنید.

اصطلاح اثر کاربنی که در بالا به کار رفته، اصطلاحی است که برای نشان دادن میزان انتشار گازهای گل‌خانه‌ای در اثر فعالیت‌های یک فرد، استفاده می‌شود.

انتشار گازهای گل‌خانه‌ای با معادل کاربن دای‌اکساید (CO₂) آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود که علاوه بر کاربن دای‌اکساید دربرگیرنده گازهای گل‌خانه‌ای دیگری مانند میتان و نایتروجن‌اکساید نیز می‌باشد. این کار با تبدیل کردن آن‌ها به معادل کاربن دای‌اکساید با عین ظرفیت گرمایش جهانی‌شان صورت می‌گیرد.

۱. یعنی اگر سبک زنده‌گی همه یک‌سان باشد، ما برای فراهم کردن نیازمندی‌های مان به بیشتر از یک زمین، یعنی ۱٫۶ زمین نیاز داریم - مترجم.

ارتش اوکراین خواستار «سکوت عملیاتی» در مورد عملیات ضد حمله به روسیه شد



پس از گفته‌های ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین مبنی بر راه‌اندازی عملیات ضدحمله برای بازپس‌گیری سرزمین‌های «تحت اشغال» روسیه، ارتش این کشور خواستار «سکوت عملیاتی» در این مورد شد.

یورو نیوز روز یکشنبه، ۴ جون، گزارش داده است که مقام‌های اوکراینی پیش از این نیز بارها خواستار پرهیز از گمانه‌زنی در مورد عملیات پیش‌رو شده بودند.

به گفته آن‌ها، این حدس و گمان‌ها ممکن است به «سود دشمن» تمام شود.

مقام‌های اوکراین طی روزهای گذشته با آن دسته از شهروندان که عکس‌ها و تصویرهایی از سرنگونی موشک‌های روسیه توسط سامانه دفاع هوایی اوکراین منتشر می‌کردند نیز برخورد کردند.

این در حالی است که روز گذشته زلنسکی در مصاحبه با روزنامه وال‌استریت ژورنال گفته بود: «ما قویاً باور داریم که موفق خواهیم شد. نمی‌دانم چقدر

طول می‌کشد و ما برای این کار راه‌های کاملاً متفاوتی را پیش خواهیم گرفت، اما این کار را انجام می‌دهیم و برای آن کاملاً آماده هستیم.»

کی‌یف امیدوار است که با حمله متقابل برای بازپس‌گیری قلمرو خود بتواند شرایط جنگ را تغییر داده و برخی از معادلات را به سود اوکراین رقم بزند. جنگی که از حدود ۱۵ ماه پیش و با حمله نظامی روسیه به دستور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور آن کشور آغاز شده است.

صدها هزار تن علیه دولت لهستان راهپیمایی کردند

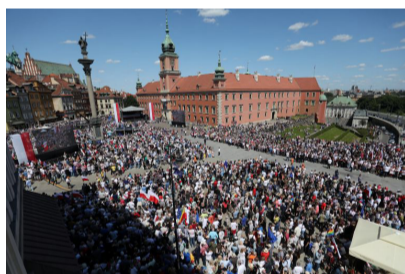
از راهپیمایی‌شان را «افزایش هزینه‌های زنده‌گی، کلاهبرداری و دروغ‌گویی دولت و برای دفاع از دموکراسی و انتخابات آزاد» عنوان کردند.

دونالد توسک، نخست‌وزیر پیشین و رهبر مخالفان از ائتلاف لیبرال-محافظه کار خواستار برگزاری تظاهرات شده بود، اما سایر احزاب مخالف دولت نیز به آن پیوستند.

توسک در جمع خبرنگاران گفت: «ما امروز این‌جا هستیم تا تمام لهستان، تمام اروپا، کل جهان ببینند که چقدر قوی هستیم، چه تعداد از ما آماده مبارزه برای آزادی و دموکراسی است.»

به گفته سازمان‌دهنده‌گان تظاهرات، این گسترده‌ترین اعتراض ضددولتی پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی در سال ۱۹۸۹ در این کشور بوده است.

دولت ملی‌گرای لهستان در داخل و خارج بابت آن‌چه منتقدان نقض حکومت قانون و نقض آزادی رسانه عنوان می‌کنند، مورد انتقاد قرار گرفته است.



صدها هزار تن از شهروندان لهستان، در مخالفت با سیاست‌های حزب حاکم محافظه‌کار ملی (PiS) راهپیمایی کردند.

مخالفان دولت لهستان که برای شرکت راهپیمایی روز یکشنبه، ۴ جون، فراخوان داده بودند، شمار شرکت‌کننده‌گان را ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند.

تظاهرات کننده‌گان که پرچم سرخ و سفید لهستان و اتحادیه اروپا را در دست داشتند، هدف

عمران خان ارتش پاکستان را به تخریب حزب تحریک انصاف متهم کرد

عمران خان، نخست‌وزیر پیشین و رهبر حزب تحریک انصاف پاکستان، ارتش و نهادهای امنیتی آن کشور را متهم به تخریب حزبش کرده است.

خان روز یکشنبه، ۴ جون، به خبرگزاری رویترز گفته است که تردید نداشت در دادگاه نظامی محاکمه خواهد شد و به زندان می‌افتد.

او در پاسخ به این پرسش که چه کسی پشت سرکوب حزب او بوده، گفته است: «این قطعاً تشکیلات (ارتش) است. بدیهی است که منظورم از تشکیلات، تشکیلات نظامی است؛ زیرا آن‌ها اکنون واقعاً آشکار هستند. پنهان نیستند.»

نخست‌وزیر پیشین پاکستان افزوده که حدود ۱۵۰ پرونده جنایی علیه او تشکیل شده است. به گفته او، این همه پرونده «بیهوده» هستند و در دادگاه غیرنظامی کنار هم گذاشته شده‌اند.

آقای خان تصریح کرده است: «تنها امید آن‌ها (ارتش) به دادگاه نظامی است؛ زیرا آن‌ها مصمم هستند که من را از سر راه بردارند.»

وی خاطرنشان کرده است: «فکر می‌کنم که این کار را انجام خواهند داد. تمام تلاش دادگاه‌های نظامی آن‌ها بر این است که مرا زندانی کنند.»

این در حالی است که پیش از این رعنا ثنالله، وزیر امور داخله پاکستان گفته بود که عمران خان به اتهام نقش داشتن در حمله‌های آتش‌سوزی به تاریخ ۹ می سال روان میلادی، در دادگاه نظامی محاکمه خواهد شد.

عمران خان در ۹ می سال روان میلادی، در دادگاهی در اسلام‌آباد به اتهام‌های فساد مالی بازداشت شد.

بازداشت خان سبب شکل‌گیری موجی از اعتراض‌های گسترده و خشونت‌بار هواداران وی در نقاط مختلف پاکستان شد.

حکومت پاکستان در آخرین تصمیم‌اش عمران خان، بشرای بی‌بی، همسرش و ده‌ها تن از رهبران و فعالان این حزب را در فهرست شناسایی ملی موقت آژانس تحقیقات فدرال قرار داده و آنان را ممنوع‌الخروج کرد.

۵۴ نیروی حافظ صلح در یک حمله گروه جهادی در اوگاندا کشته شدند

به اساس گزارش‌ها، جنگ‌جویان الشباب یک موتور مملو از مواد منفجره را به پایگاهی در «بولو مارر» واقع در ۱۲۰ کیلومتری جنوب غربی موگادیشو، پایتخت سومالیا بردند که این امر سبب درگیری شدید میان این گروه و نظامیان اتحادیه افریقا شد. نیروهای اتحادیه افریقا متشکل از نظامیان اوگاندا، بوریوندی، جیبوتی، اتیوپی و کینیا بوده که در جنوب و مرکز سومالیا مستقر هستند.

سال گذشته، حسن شیخ محمد، رئیس‌جمهور سومالی، حمله گسترده‌ای را علیه شبه نظامیان به راه انداخت و مردم این کشور را برای کمک به بیرون راندن اعضای گروه جهادی که او آن را «ساس» توصیف کرد، گرد هم آورد.



تلفاتی است که نیروهای طرفدار دولت تحت حمایت نیروی اتحادیه افریقا موسوم به (ATMIS)، عملیات را علیه الشباب آغاز کردند.

گروه الشباب، که از یک دهه به این‌سو حملات مرگباری را علیه دولت مرکزی سومالی به راه انداخته است، مسوولیت حمله روز ۲۶ می، را بر عهده گرفت و گفته که پایگاه را تصرف کرده است.

مقام‌ها در اوگاندا اعلام کردند که در نتیجه حمله هفته گذشته گروه جهادی الشباب بر یک پایگاه نیروهای حافظ صلح افریقا در سومالی ۵۴ تن از این نیروها جان باخته‌اند.

خبرگزاری فرانسه به نقل از بیوری موسیونی، رئیس‌جمهور اوگاندا، روز یکشنبه، ۴ جون، گزارش داده است که این تعداد در پی حمله تهاجمی گروه جهادی الشباب در ۲۶ می، بر یک پایگاه نظامیان اتحادیه افریقا در سومالی کشته شده‌اند.

رئیس‌جمهوری اوگاندا، در این بیانیه خاطر نشان کرده است: «این اشتباه توسط دو فرمانده به نام‌های سرگرد اولوکا و سرگرد اوبو انجام شد که به سربازان دستور عقب‌نشینی دادند.»

به گفته مقام‌ها، این تلفات یکی از سنگین‌ترین